

عملیات تهاجمی پیشمرگان فدائی

در منطقه سردشت

در صفحه ۳



شورای اسلامی، ایاری در خدمت جنگ

ارگان سرکوب توده ها

رژیم جمهوری اسلامی که از همان فردای به قدرت رسیدنش سرکوب وحشیانه توده های زحمتکش خلق کرده را در دستورات داده بود، تلاش ورزید تا از طریق اعمال زور و فشار و شکنجه ترس و شیوه های سرکوب، جنبش انقلابی خلق کرد، این قلب پهنده مبارزه انقلابی را از حرکت باز دارد و سلطه بلا منازع خود را نیز در کردستان برقرار سازد. در راستای این هدف ارتجاعی و جهت تداوم اعمال شیوه های ددمشانه، همواره در پی بکار بستن حداکثر توان و ظرفیت خود در این زمینه بوده است و بر همین مبنا و با اختتام هزینه و نیروی کافی کوشیده است تا ارگانهای سرکوب خود را در دروازه افتاده ترین نقاط کردستان مستقر نموده تا از نزدیک مراقب هرگونه حرکت انقلابی توده ها و یا پیشمرگان انقلابی باشد، و اوضاع و شرایط را مطابق مطلوب خویش تغییر دهد. مزدوران رژیم که داشا در تدارک آن بوده اند در صفحه ۲

هشدار به

نیروهای انقلابی

در صفحه ۲

تلاش رژیم برای

گسیل معلمین و کارمندان

به جبهه ها

در صفحه ۵

کومه له، رادیکال در غام گوئی، جیون در بر خورد مشخص!

نگاهی به "جمع بندی مبارات کنگره پنجم کومه له"

کارگران کردستان و کل طبقه کارگر ایران اشاره کردیم، در ادامه، اجالا به وجوه دیگری از انحرافات کومه له که در "جمع بندی" کنگره از انعکاس یافته است میپردازیم. درک کومه له از تاجر جنبش سراسری بر جنبش خلق کرد و بالعکس، و اساسا درک در صفحه ۶

در شماره پینین ریگای تل، به برگزاری کنگره های مجرای کومه له و "حزب کمونیست" (سهند) و نیرویی تضافات لایحلی که کومه له بعنوان یک جریان محلی دچار آن است، اشاره نمودیم. همچنین به تاسیونالسم خرده بورژوازی این جریان و برخی جنبه ها از گوش های تفرقه افکنانه او، میان

نگاهی به

مبارزات توده های در کردستان

به ماهه اول سال ۶۵

تحولاتی انقلابی درجا مع به پا خاسته اند را به نمایش گذاشت. علیرغم حاکمیت سرکوب، ترور و خفقان جمهوری اسلامی، توده ها همچنان با حفظ روحیه اعتراضی و انقلابی به مقابله با مزدوران سرکوبگر برخاسته و رژیم را برای به تمکین در صفحه ۷

سال ۶۵ نیز همانند هفت سال گذشته با مبارزات و استقامت توده های زحمتکش کرد در برابر سیاستهای ارتجاعی و سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی شروع شد و ماهه اول این سال شکوه و عظمت مبارزه خلق ستمدیده ای که برای کسب حق تعیین سرنوشت خویش و ایجاد

در صفحات دیگر:



● اخبار جنبش توده های

در صفحه ۱۲

● اطلاعیه های استار

در صفحه ۸

● گرامی براهفتمین سالگرد

انقلاب نیکا را گواهی

در صفحه ۲۸

شورای اسلامی، ابزاری در خدمت جنگ ارگان سرکوب توده ها

که به شکل ممکن، مبارزات توده ای را منکوب ساخته و یادمانه آنرا محدود نماید، علاوه بر استفاده از ارگانهای رسمی سرکوب خود از قبیل ارتش و سپاه و غیره، از بهره گیری از اهرم ها و نهاد های مشابه دیگری نیز چشم پوشی نکرده اند، جاشا، فتودالها، خاشنین و ملاها مشابه ابزاری بوده اند در دست رژیم که دانشا بر علیه توده ها بکار گرفته شده اند.

استفاده از این شیوه ها و کارکرد چنین ارگان هایی در پروسه عملی، هر چند که به اعمال خونت با ترتیب سرکوب ها در حق توده های خلق گرد منجر گشته است، اما نتایج مورد دلخواه رژیم را بطور کامل همراه نداشته و بازدهی لازم را نیز فاقد بوده است. عدم کفایت چنین ابزارهایی در مبارزات توده ای و به تمکین و داشتن آنان از بگو، ولزوم بهره گیری تام و تمام از توده ها و اتکا به موقعیت هایی در میان خود آنان و خلاصه استفاده از نیروی شان جهت پیش برد سیاست های ارتجاعی، از سوی دیگر، رژیم را بر آن داشته است که مصرا نه برای ایجاد نهاد دیگری با اسم "شورای اسلامی" نیز یافتاری نماید.

شوراهای اسلامی که ایجاد و گسترش آن همواره مدنظر رژیم بوده است، حامل ویژگی های مشخصی است که می تواند آنچنان شرایط و موقعیتی را برای رژیم فراهم آورد، که هیچیک از ارگان های دیگر نمیتوان جایگزین آن نمود، چرا که اساسا قادر نیستند چنین نقشی را ایفا کنند.

ایجاد این "شوراها"، اضافه بر آنکه هیچگونه هزینه ای در بر ندارد و این برای رژیمی که از نظر مالی دچار ورشکستگی مفرط است قطعا بی اهمیت نیست - میتواند در سطح تمام روستا های کردستان مورد نظر رژیم باشد و حتی روستا هایی که فی المثل نیروهای مسلح رژیم، با سوار ارتش و غیره امکان استقرار ندارند و نمیتوانند در آن ها حضور داشته باشند، شوراهای اسلامی - در

صورت تشکیل شدن، - به راحتی میتوانند در آنجا به حضور خود ادامه دهند.

ارگانهای مشکل از خود اهالی، به مثابه ارگانهای ثابتی که دانشا در محل حضور دارند، مشکل از خود مردم محل هستند و همه اهالی را بخوبی میشناسند و ناظر بر مسائل جاری روستا بوده و می توانند دقیق ترین اطلاعات را بطور مستمر به دیگر ارگان های رژیم انتقال دهند، و تازه، در ابتدا، - آنطور که در مورد دیگر ارگانهای سرکوب رژیم صادق است - احیانا توده ها، مستقیما آنها را رودر روی خود نمیشناسند؟! جزو همان ویژگی های مشخص این نهاد است که پیشتر ذکر آن رفت.

پس بی جهت نیست که مزدوران برای ایجاد چنین شوراهایی با فشاری می کنند.

گسترش و تحکیم شوراهای اسلامی، از جمله مواردی بوده است که اگرچه از مدتها قبل در دستور کار رژیم قرار داشته است اما موقعیت تاریخی - اجتماعی و جو مبارزاتی در کردستان مانع از آن بوده است تا رژیم به همان سرعت و سهولتی که در دیگر نقاط ایران دست به تشکیل چنین نهاد هایی زده است، در کردستان نیز به این هدف دست یابد. اما بهرحال با آگاهی نسبت به درجه اهمیت و نقشی شوراهای اسلامی و ضرورت ایجاد آن، خصوصا در شرایط تشدید و تا دم جنسک ارتجاعی ایران و عراق، و گسترش ایجاد سوباز گیری اجباری که رژیم را بر آن داشته است تا از هر امکانی برای تامین نیازهای ماشین جنگی خود سود جست و به آن جنگ زند، تکیه بر این "شوراها"، - بعنوان ابزاری ضروری و مهم و استفاده از آنها به مثابه ارگانهای جاسوسی، اهمیت بیش از پیشی کسب کرده است. کلیه حرکات رژیم در کردستان، نشانگر این واقعیت است که تحت بهانه های مختلف، موقعیت های مناسبی را برای اعمال فشار هر چه بیشتر جهت دست یابی به این هدف ارتجاعی خود نیز دست آورده و قرار داده است.

شوراهای اسلامی، به مثابه نهاد های وابسته به دولت، همیشه در جهت محوری ترین خواست و هدف رژیم هدایت شده، عملکرد و یاد آنها نیز در همان

راستنا بوده است، اگر زمانی از این شوراها خواسته میشد، که گزارش روستای خود، وضعیت روستا و حرکت پیشمرگان را در منطقه به سپاه پاسداران و با دیگر ارگانهای رژیم ارائه دهند، امروزه این نکته این خواست کماکان بجای خود باقی است اما بر مبنای خواست مبرم رژیم یعنی تامین نیازهای جنگی، و مهمترین بخش این نیاز، یعنی بسیج نیرو و سرباز گیری اجباری، ایفای نقش میکنند.

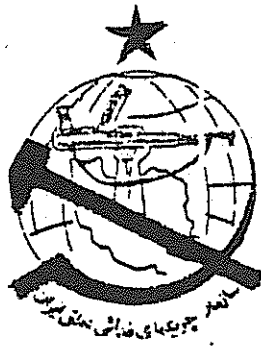
رژیم، امروزه بیش از هر زمان دیگری تلاش میکنند تا در روستا های کردستان به ایجاد چنین "شورا" هایی دست بزنند، و با آنکه در آن دسته از روستا ها که چنین "شورا" هایی تشکیل شده است، آنها را در جهت بر آوردن خواسته های ضد مردمی خود فعال تر نماید. کلیه حرکات مزدوران رژیم و مقامات دولتی بخصوص در چند ماه اخیر، دلالت بر آن دارد که رژیم بر روی این نهاد - صاحب باز کرده است. همین چندی پیش، سران رژیم در کردستان به تبلیغات گسترده ای بپردازند، محوری ترین مسئله روز خود، یعنی مسئله جنگ، از طریق ارگانهای وابسته و از جمله از طریق برگزاری سمینارهای شوراهای اسلامی در سطح استان کردستان دست زدند. رژیم در بیشتر شهرهای کردستان و از جمله روستا های شهرستان سنندج، مریوان، بوکان و غیره بطور سیستماتیک تر حرکت کرده است تا شوراهای اسلامی این مناطق را به فعالیت بیشتر و ارگانیک تری وادارد، در همین رابطه و اائل ماه گذشته

فرماندار شهرستان سردر جلستان که با شوراهای اسلامی روستائی برگزار نمود، "وظایف خطیر اعضاء شورا" را گوشزد کرد و آنان را به فعالیت هر چه بیشتری فراخواند. او همچنین از ضرورت ایجاد شوراهای اسلامی در مناطقی که چنین شوراهایی تشکیل نشده است، صحبت به میان آورد.

واائل ماه جاری، به شوراهای اسلامی بخش "کلاته رزان" سنندج اخطار میشود که ظرف مدت بیست روز، مسئولین راه مراکز نظامی رژیم معرفی نمایند. این "شوراها" و همچنین شوراهای روستائی منطقه بوکان، عملا همکاریهای خود را با رژیم آغاز کرده اند.

در صفحه ۱۰

برای برقراری صلحی دموکراتیک، جنگ ارتجاعی را به جنگ داخلی علیه رژیم تبدیل کنیم



طی دو عملیات تهاجمی

پایگاههای "مام کاوی" و "مه زره" در منطقه سردشت

توسط پیشمرگان فدائی درهم کوبیده شد

پیشمرگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران روز ۲۱/تیرماه/۱۳۶۵، طی یک جوله سیاسی نظامی در مناطق پشت جبسه نیروهای جمهوری اسلامی، موفق شدند در بین شبکه پایگاه های دشمن دو پایگاه سرکوبگران خلق کرد را مورد تهاجم جسورانه قرار داده و تلفات و خساراتی به این پایگاه ها وارد سازند. این عملیات بیاد جانباختگان ۴ بهمن ۶۴، رشای فدایی، کاوه، اسکندرو حسن که در دفاع از مرکز فرستنده رادیویی سازمان توسط باند خاش و توطئه گر مدنی - شیخانی بشهادت رسیدند انجام گرفت.

ساعت هفت و پانزده دقیقه بعد از ظهر یک دسته از رفقای پیشمرک پس از شناسایی دقیق و استقرار در نقاط مشرف به منطقه پایگاه "مام کاوی" با گشودن آتش بسوی سنگیان پایگاه عملیات خود را آغاز نمودند. پس از اولین شلیک و بمباران سنگیان پایگاه، پیشمرگان فدائی با سلاح های نیمه سنگین و مسلسل سبک، مزدوران مستقر در پایگاه و تاسیسات و استحکامات آنرا مورد تعرض غافلگیرانه قرار دادند. دشمن که از این حرکت برق آسای پیشمرگان دلیر فدایی سر آیمده وحشت افتاده بود، دیوانه وار با سلاحهای سنگین و بویژه خمپاره های تا بمبلا به آتشباری نقاط استقرار پیشمرگان پرداخت که علیرغم شدت گلوله باران با هوشیاری و دقت عمل پیشمرگان فدائی آسیبی به آنان وارد نگردید. پیشمرگان پس از شلیک آخرین رگبار، پیروزمندانه و سالم به قرارگاه خود باز گشتند.

در همین روز دسته ای دیگر از پیشمرگان فدایی، پایگاه "مه زره" را در دو مرحله و با فاصله کمتر از یک ساعت پس از تهاجم به پایگاه "مام کاوی" مورد تعرض فیرمانانه قرار دادند.

این عملیات در ساعت هشت و ده دقیقه بعد از ظهر، با شلیک اولین موشک آر-بی - جی آغاز گردید. پیشمرگان فداییی تجمع نیروهای سرکوبگر ارتش را که انتظار چنین حمله غافلگیرانه ای را نداشتند، هدف رگبار مسلسلای خود قرار دادند. مزدوران رژیم پس از تحمل ضربات وارده، وحشت زده با سلاحهای سنگین و نیمه سنگین به آتشباری منطقه عملیاتی و میسر عقب نشینی رفقای پیشمرک پرداختند.

گلوله باران اطراف پایگاه توسط نیروهای سرکوبگر بگونه ای بود که برخی از گلوله های خمپاره به پایگاههای مجاور ما بت نمود و موجب تبادل آتش مزدوران بسوی یکدیگر شد.

در ساعت هشت و بیست دقیقه، پیشمرگان فدایی با شلیک دومین موشک آر-بی - جی و رگبار مسلسل بختی دیگران تاسیسات پایگاه را هدف آتش خود قرار دادند. تعرض مجدد پیشمرگان، نیروهای سرکوبگر مستقر در این پایگاه و چندین پایگاه اطراف را بوحشت انداخت. سحوی که از هر طرف، منطقه عملیاتی هدف توپ و خمپاره باران مزدوران قرار گرفت، کند با این وجود هیچگونه خسارات جانی و مالی بیمراه نداشت.

پیشمرگان دلیر فدایی پس از پایان این عملیات متهورانه از نقاط استقرارشان عقب نشینی نموده و همگی سالم به محل قرار خود باز گشتند. از سیران تلفات و خسارات وارده به پایگاههای "مام کاوی" و "مه زره" اطلاع دقیقی در دست نیست.

پیروزی و جنبش انقلابی خلق کرد

سرتگون باد رژیم جمهوری اسلامی - سر قرار باد جمهوری دمکراتیک خلق
ناسود باد امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم امریکا و پایگاه داخلی

زننده باد سوسیالیسم

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - کمیته کردستان

هشدار به فیروهای انقلابی

ایجاد چنین موانع و محدودیت‌هایی، ما هوأ نمی‌تواند محدود به ما شود. این محدودیت‌ها، فقط درمانع تراشی در امر مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی و نقض میانی دیکراسی ختم نمی‌شود، بلکه با دخالت آشکار در امور داخلی و گنجگاری در امور تشکیلاتی سازمان ما، با ایجاد وسعتی خود گرفته است که هوشیاری و احساس مسئولیت هر چه بیشتری را از جانب کلیه سازمان‌های انقلابی ایجاد می‌کند. ما در ادامه، اهمیت این مسئله و ضرورت حفظ هوشیاری انقلابی را آشکارتر بیان می‌داریم.

صبحگاه روزی خرداد ۶۵، هنگامیکه یکدسته از پیشمرگان فدائی، عازم جوله سیاسی - نظامی در منطقه کردستان علیه رژیم جمهوری اسلامی ایران بودند، در جلویکی از مقرات اتحادیه میهنی کردستان، توسط پیشمرگان این سازمان خلق شده و حرکت آنها متوقف می‌شود. بدنبال این عمل ضد دیکراتیک، رفقای مستقر در مقر کمیته کردستان نیز خلق سلاح شده و کلیه سلاح‌ها و مهمات موجود توسط پیشمرگان اتحادیه میهنی ضبط می‌شود. رفقای ما در جریان خلق سلاح، برای جلوگیری از هرگونه بهره‌برداری ارتجاع و امبریالیسم و برای پرهیز از تشدید اختلافات فی ما بین دو سازمان از هر گونه اقدام متقابل و درگیری اجتناب می‌کنند و به اعتراض نسبت به این مسئله اکتفا نموده و از تحویل سلاح‌های خود امتناع نمی‌کنند. قبل از این واقعه سه تن از رفقای پیشمرگه سازمان، در حین انجام ما موریت تشکیلاتی، توسط پیشمرگان اتحادیه میهنی، روزهای بیست و هفتم و بیست و هشتم خرداد ماه، خلق سلاح و بازداشت شده بودند، و هیچ گونه اطلاعی نیز از علل دستگیری آنان که هویت سازمانی شان روشن بوده است به کمیته کردستان سازمان چریکهای

محدودیت‌های ناشی از پیوستن و بنای رژیم جمهوری اسلامی در رستان، که منجر به اشغال اکثر مناطق آزاد شده گردیده است، هرچند، همچنان نتوانسته است به کلی مانع از زات نیروهای انقلابی و علی‌الخصوص ده‌های خلق گردد، اما عملاً دامنه فعالیت‌ها را محدود نموده و نیروهای انقلابی ایرانی را مجبور به عقب‌نشینی به مناطق مرزی نموده است. که تحت کنترل اتحادیه میهنی دستان است، اما ضرورت مبارزه انقلابی در بین محدودیت‌های ایجاد شده، بر هیچکس پوشیده نیست و هیچ کفونیستی نمیتوان یافت که به اهمیت مبارزه ادانه و انقلابی علیه رژیم بورژوازی جمهوری اسلامی ایران در این منطقه قننبا شد.

امروزی از مبارزات سازمان - انقلابی و تعرضات انقلابی پیشمرگان، عمیق منطقه علیه رژیم جمهوری - می هدایت و سازماندهی می‌شود. از روظیفی است که هرگونه ایجاد مانع بر سر راه مبارزه انقلابی عملییت نامین منافع رژیم ضد انقلابی وری اسلامی خواهد بود.

متأسفانه در رابطه با اتحادیه میهنی، بر زمینه یکری گرایش‌ها و تورها در رابطه با جنگ ایران و عراق، مطلق استفاده از تفاهای آنان، راه دیگر معادلات سیاسی و خط مشی سازمان، فعالیت نیروهای انقلابی نی، عملاً دچار مشکلات و تنگناهایی است. این تنگناها در جریان مبارز در کردستان، بویژه در رابطه با مان ما، و از جمله، بخاطر ادیکالیسم یری که حاصل آن بوده است، بیش از یان دیگری خود را نشان داده است رت فشارهای فیزیکی و مداخلات غیر ی جهت هر چه محدودتر نمودن دامنه ییت‌های ما علیه رژیم ضد انقلابی ری اسلامی، نمود داشته است. برهر ی آگاهی آشکار است که چنین ردها ش اگر چه آغازش در رابطه با ان ما بوده است، می بایستی از هم ن به مثابه هتداری جدی برای کلیه عای استثنایی تلقی شود، چرا که

فدائی خلق ایران داده نشده بود. ما ضمن اعتراض نسبت به بازداشت رفقای پیشمرگه تحت بهانه‌های واهی و بی‌خبر گذاشتن کمیته کردستان از علل بازداشت‌ها، چنین حرکتی را محکوم کرده و خواستار آزادی انسان شدیم. ما همچنین اعتراضات خود را نسبت به حرکت پیشمرگان اتحادیه میهنی در رابطه با خلق سلاح و مانع از حرکت رفقای تیم و خلق سلاح رفقای مستقر در مقر کمیته کردستان مکرراً اعلام داشتیم و آنرا کار شکنی در مقابل مبارز علیه رژیم جمهوری اسلامی ارزیابی نمودیم.

پس از این مذاکرات اگر چه نسبت به بی خبر گذاشتن کمیته کردستان از بازداشت پیشمرگان پورش خواسته شد، و اگر چه سلاح‌ها و مهمات ضبط شده، همان روز پس داده شد و گفته شد که حرکت پیشمرگان اتحادیه میهنی کردستان در رابطه با خلق سلاح رفقای ما، به دستور دفتر سیاسی اتحادیه میهنی کردستان نبوده است! و در این مورد نیز پیروزی خواهی شد، ما پیشمرگان دستگیر شده، همچنان در بازداشت اتحادیه میهنی ماندند!

مادر طی دونا مده مورخ ۶۵/۳/۲۱ و ۶۵/۴/۱ به دفتر سیاسی اتحادیه میهنی، بازداشت غیر اصولی پیشمرگان سازمان را متذکر شده و اتحادیه میهنی را از تثبیت به چنین شیوه‌هایی که خلاف موازین دیکراتیک است بر حذر داشتیم و از آنان خواستیم تا هر چه زودتر رفقای ما را آزاد کرده و بیش از این در مقابل فعالیت‌های کمیته کردستان به مثابه بخشی از فعالیت‌های سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، و بخصوص حرکت رفقای تیم پیشمرگه علیه رژیم ارتجاعی و ضد انقلابی جمهوری اسلامی ایران مانع ایجاد نکنند و موجب تیره تر شدن روابط فیما بین نگردند.

بالاخره بعد از ظهر روز ۶۵/۴/۴ رفقای بازداشت شده ما آزاد می‌شوند و در آن خودنا مده بدون مخری مورخ ۱۹۸۶/۶/۲۵ (چهارم تیر ماه) با امضای "کمیسیون تحقیق" می آورند، که در آن، تاریخ تحویل دستگیری رفقای ما توسط تیپ ۴۷ به درمنه ۲۸

هبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دیکراتیک خلقهای ایران است

تلاش رژیم برای
گسیل معلمان و کارمندان
به جبهه‌ها

مسئله جنگ و سروش آن، سران
مشی را واداشته است تا با تشدید
جای خود برای بسیج امکانات مادی
بیزه نیروی انسانی جامعه، بیش
بیش همه چیز را در آتش جنگ بسوزانند.
مجموعه جمهوری اسلامی در پی اهداف
نجاتی و پان اسلامیتی خود که با
ن جنگ طلبی اش موجب سیه روزی
م توده‌ها گشته و زندگی آحاد جامعه
و نهایی کشته‌هاست، سرای وادار
ن تعداد هر چه بیشتری از اقشار
لف مردم به رفتن به جبهه‌ها و
بین نیروی انسانی جنگ، به منظور
نات جدید جهت شکستن بن بست جنگ،
تشبثات جدیدی توسل جسته است. پس
شواشی خبیثی درباره اهمیت جنگ
گنبد محوری بودن آن، و تبعیض
ن حکومتی از سخنان وی منشی سر
، ورنه نگاه داشتن آتش این جنگ
جای و تشدید آن، مقامات رژیم در
نشان نبرد را چرا وادامه این سیاست
به تکیه بر افتاده اند تا به سهم خود
نجات از جنگال بحران شدت
ده اقتصاد و سیاسی، در به خدمت
ن همه چیز برای جنگ، بر شت
نهای ارتجاعی خود بیا فزایند.

رژیم جمهوری اسلامی مصمم است
استفاده از حربه‌های گوناگون در
نشان، علاوه بر شیوه‌های معمول
رگیری اجباری و به دام افکندن
نسن در کوچه‌ها و خیابانها، از طریق
ی نیرو به اهداف خود ناشل آید، از
رو در تدارک آن برآمده است تا
، برداشتن آموزان، دانشجو یسان،
نایان و دیگر کارمندان ادارات
ن را نیز به مراکز آموزش نظامی
، و تا آن رابه جبهه‌های جنگ
دارد. ارگان های مختلف دولتی،
نهائی گسترده و هماهنگ سعی در
زمینه لازم برای پیش برد این
تسرا مده اند. چنین است که
ن تا بیستانی مدارس برای رژیم،
ن فرصت و غنیمتی است که عمال
خوار او، در همین رابطه از آن
بند.

فرمانده کل زاندارمری استان
کردستان، در همدستی کامل با اداره
آموزش و پرورش، تشکیل "گردان های
لیک یا خمینی" مرکب از معلمان،
دانشجویان، دانشجو معلمان و... تحت
عنوان "سرباز معلم" را در دستور قرار
داده تا از این طریق، و با کثافت
افتار وسیع تری از توده‌ها به مراکز
نظامی، امکان اعزام نیروهای جدید
به جبهه‌های جنگ فراهم گردد، و منشی
گوید: "زاندارمری کردستان با
هماهنگی اداره آموزش و پرورش در نظر
دارد با توجه به اینکه در ایام تابستان
کلیه مدارس تعطیل است، گردان های
از سربازان معلم، ستام گردان های
لیک یا خمینی تشکیل و به جبهه‌های حق
علیه باطل گسیل دارند، بدین وسیله
به کلیه برادران عزیز سرباز معلم که
هم اکنون در مرخصی به سر میبرند با
میکنم که روز جمعه ۶۵/۴/۳۰ با کلیه
تجهیزات و لوازم ابتدائی خود بیا حدهای
زاندارمری محل خدمت معرفی... تا پس
از آموزش های لازم به جبهه‌ها اعزام
گردند." گفتار رادیویی سنج
۶۵/۳/۲۶، امام جمعه سنج در نماز
جمعه ۶۵/۴/۱۳ خطاب به کارکنان
ادارات استان کردستان، ضمن عزام
فریبنی، فرا گرفتن فنون نظامی را امری
"واجب" دانسته و آنان را به پوشیدن
لباس بسیج تشویق میکند. "بر شما منشی
مسلمانان واجب است با آموزش فنون
نظامی خود را برای مقابله با دشمنان
اسلام مهیا سازند... اینک شما برادران
مسئول باید الگویا شد و با پوشیدن
لباس مقدس بسیج و شرکت در دوره‌های
آموزشی سرمشی برای دیگران باشید"
(گفتار رادیویی سنج ۶۵/۴/۱۴)

اداره کل آموزش و پرورش کردستان
نیز در همین راستا اطلاعیه صادر نموده و
معلمان و فارغ التحصیلان را برای شت
نام به مراکز نظامی فرا میخواند. "اداره
کل آموزش و پرورش استان کردستان، طی
اطلاعیه‌ای از آن عده دانشجو معلمان
فارغ التحصیل در مراکز تربیت معلم
استان که تاکنون موفق به ثبت نام
شرکت در دوره‌های آموزش نظامی
نشده اند، اعلام کرد که به منظور ثبت نام
برای شرکت در این دوره‌ها روز بیستم
تیر ماه در محل تحصیل خود حضور بهم
رسانند" (گفتار رادیویی سنج)
و با ز در همین رابطه و برای اجرای

نقشه‌های رژیم، بر سر تربیت، فتنه و فوق
در مراکز سرکوب و اعزام آنان به جبهه
ها، وزارت آموزش و پرورش و سپاه
با ساداران انقلاب اسلامی، با هم سه
توافق می‌برند، که متحدانه بر پاکسازی
پیداخته و سیاستی ارتجاعی رژیم را
پیش ببرند. "بر اساس توافق وزارت
آموزش و پرورش و سپاه با ساداران انقلاب
اسلامی تعدادی از نیروهای دا و طلب آموزش
دیده آموزش و پرورش... برای فرماندهی
نظامی به سپاه یا ساداران انقلاب اسلامی
اعزام میشوند". اداره کل آموزش
و پرورش کردستان ضمن انتشار اطلاعیه
و اعزام مطلب فوق از "دا و طلبین و اجد
شرایط درخواست کرده با مراجعه به
ستاد امور جنگ اداره آموزش و پرورش
استان، فرم های مربوطه را تکمیل کنند"
با ذکر این نکته که "ما موریت خدمت آنان
جز خدمت ویژه محسوب میشود و از مزایای
مدرج در بخش نامه‌های صادره از نخست
وزیری برخوردار خواهند شد." و با اشاره
استاندار کردستان به مراعاتی چند از
دیگر مزدوران رژیم در مراسم اختتامیه
حدود بیست تن از مسئولین ادارات که
پس از گذراندن دوره آموزشی با مطلع
آنها دخی خود را برای حضور در جبهه‌ها اعزام
داشته اند، با تاکید بر صحبت های خمینی
فراگیری آموزش نظامی کارکنان دولت
را "ضروری" دانست و آنرا در "جهت شت
نظام جمهوری اسلامی" ارزیابی نمود.
اگر جنگ وادامه آن برای سرمایه
داران و نجات زخیر و برکت دارد، و اگر سر
منافع این طبقه در ادامه جنگ، وادامه
جنگ به پهای گسیل نیروهای تازه نفس
به جبهه‌ها امکان پذیر میگردد، پس
با یستی کلیه ابزارها و اهرم های دولتی
که ارگان سیادت این طبقه است در
همین راستا بحرکت درآید، همکساری
ارگانهای مختلف، سپاه، زاندارمری
آموزش و پرورش و جیره خوارانی امثال
استاندار و امام جمعه و غیره در همین
راستاست. این ارگانها و عناصر
با یستی خود بسیج شوند، برای آنکه
بتوانند نیروی مورد نیاز زما شین جنگی
را بسیج کنند. اگر خواست محوری رژیم
غارتگران، جنگ وادامه آن باشد،
وظیفه اصلی و محوری ارگانها نیز همانا
حراست از منافع سرمایه داران است و
این، سسای حده و هر گونه تواقتات و
هماهنگی میان ارگانهای در ظاهر سر

کومه له، رادیکال دره

کومه له از پیروزی جنبش خلق کرد و با انقلاب ایران، و همچنین آلترنا توی که در قبال رژیم جمهوری اسلامی ارائه میدهد، از موارد دیگری است که کومه له به طرح آن پرداخته است. ما در زیر سعی میکنیم در همان چهار چوب مطرح در "جمع بندی" درک انحرافی کومه له را در این زمینه نیز با زوفا نشانیم.

کومه له که مثل همیشه می خواهد وانمود سازد، افکار و عملکردهای او محدود به عرصه خاک کردستان نمیشود به جنبش سراسری توجه و اعتقاد دارد و از تا ثیرات آن نیز پیروی جنبش خلق کرد بی خبر و غافل نیست، سعی میکند این مسئله را در پوششی از الفاظ به خوانند نیز مخبولاند، از این رو، در همان "مدخل" "جمع بندی" اش، ضمن اشاره به "جنبش کردستان" و اینکه این جنبش "علیه" "ستمگری ملی برپا شده است"، میگوید: "این جنبش گرچه به لحاظ مضمون جنبشی تکراتیک است و به این لحاظ در کنار جنبش سراسری علیه اختناق و استبداد تا کم عمل میکند، محدوده مطالبات و بنامیم خاص خود را دارد و عروج و افول آن هر چند از جنبش سراسری تا شریک میگردان بر آن تا شریک میشود..." (صفحه ۳)

گذشته از اینکه کومه له در همین حلات کوتیده است تا به شکل پوشیده ای با طرح "اختناق و استبداد تا کم" مضمون جنبش سراسری را مطابق افتق دیستند و به نیت خود در همین محدوده خلاصه کند، تا نه ها اعتقاد خود را مبنی بر تا ثیرات جنبش سراسری بر جنبش خلق کسرد و العکس، بیان کرده است. همین اظهار شریک پذیری "عروج و افول جنبش کردستان" از جنبش سراسری، به ویژه وقتی در نظریه و ریم کومه له انقلاب لحاظ نه توده ها را در کردستان نه تنها تابع "جنبش سراسری نمیدانست" و میدانست - بلکه تا ثیرات این جنبش نقل قول ها همه جا از "جمع بندی" است غیر این صورت منسج آن ذکر خواهد شد. کیده ها همه جا از ما است)

را بر مبنای ررات خلق کرد تا چیز شمرده و به شکلی انکار مینمود و یا ندیده میگرفت، و خلاصه آنکه با درکی کاملاً ساده گرا پانه و مقابله مکانیکی کردستان، فی المثل با اصفهان و غیره و با پوشیده داشتن مضمون مبارزات جاری در آنها، عقرب افتادگی جنبش سراسری از جنبش خلق کرد را استنتاج مینمود و بطور ضمنی انقلاب ایران را تابع جنبش خلق کرد میبخت، خوشحال کننده و گامی به پیش برای کومه له محسوب میشود، اما خوشحالی خواننده ای که "جمع بندی" مباحث کنگره کومه له را میخواند، از این حرکت ظاهراً به پیش کومه له زیاد دوام نمی آورد، او میگوید: "... و نیز بر آن تا شریک نمیشود، یکبار ره و یک جانش به آن بستگی ندارد!"

کومه له از تا ثیرات متقابل صحت میکند و در کل این تا ثیرات را میپذیرد، اما در عین حال با طرح کلماتی همچون "یکبار ره" و "یک جانش" و ردیف کردن آن در انتهای جمله فوق، زمینه را برای آنکه بعداً بی اعتقادی خود را به جنبش سراسری بیان دارد، فراهم میکند. کومه له، زمانی که به عام گویی میپردازد تا شریک متقابل جنبش سراسری و جنبش خلق کرد را می پذیرد، اما همیشه میخواهد به مورد خاصی بپردازد، و از عرصه تجرد اندیشی قسدم بیرون بگذارد و به نمونه مشخصی برخورد نماید، آغازه تزلزل میکند، این تزلزل هر چند که در ابتدا با ابهام گیری پای در صحنه منبذد، اما در ادامه به بیشتر رخ عیناً دید، کاربرد چنین کلمات بی محتوا، غیر مریخ و حیوانانه اما نه تنها راه نجاتی برای کومه له نمی گشاید، بلکه بر راستی بیش از هر چیز گنجی و درهم اندیشی او را به نمایش میگذارد.

کومه له که پس از "مروری کوتاه بر اوضاع کردستان" تصمیم میگیرد با مبالغ "تصویر روشن تری از شرایط ملزومات و افتق پیروزی جنبش در برابر توده های مردم" (صفحه ۶) بدست دهد، در ادامه، میزان تا ثیرات پسند و جنبش را بر یکدیگر روشن تر میسازد. او میگوید:

"بی تردید هر نوع تکان طبقه کارگر و جنبش کارگری در ایران و بیجا

جنبش همگانی و بطور کلی متزلزل شدن پایه های حکومت جمهوری اسلامی، پیروزی جنبش کردستان را اساساً تسهیل تر و گسترش جنبش را خواهد نمود و از طرف دیگر پیش رویها و گسترش جنبش انقلابی نیز بر جنبش کارگری و انقلابی در ایران و متزلزل کردن پایه های جمهوری اسلامی تا شریک خواهد گذاشت." (صفحه ۱۰)

کومه له، در اینجا نیز دست از تلاشهای تفرقه افکنانه خود بر نمیدارد، و "جنبش کارگری و انقلابی در ایران" را مقوله ای جدا و "جنبش انقلابی" خلق کرد را مقوله جداگانه دیگری میبندد و اوج ناسیونالیسم تنگ نظران خود را به نمایش میگذارد.

و اما جنباب کومه له اگر صدیا رهمار جنبش سراسری و تا ثیرات محبت بمیان آورد، نمیتواند عجز خود را از درک مسئله ارتباط ارگانیک مبارزات کارگران و زحمتکشان خلق کرد با کارگران و زحمتکشان سراسر ایران پنهان کند، او درک نمیکند که زمینه تحقق کاملاً خواست های خلق کرد و بسیا رتی پیروزی جنبش انقلابی زحمتکشان خلق کسرد، در راستای همان اهداف کارگران و زحمتکشان سراسر ایران دست یافتنی است و نه جز آن، کومه له اما پیروزی جنبش انقلابی خلق کرد را بدون یک جنبش سراسری و پیوند با آن نیز کاملاً ممکن و میسر نمیشمارد، کومه له مسئله

تا شریک جنبش سراسری را تا آنجا می پذیرد (۴) که پیروزی جنبش انقلابی خلق کرد را "سهل تر" و "کم مشقت تر" میکند! معنی آن اینست که ناسیونالیست گیسر ما، کومه له خود را در است جنبش انقلابی خلق کرد را بدون پیوند با جنبش سراسری به "پیروزی" برسانند! منتهی با "سخنی ها" و "مشقت های بیشتر" اما حقیقت آن است که کومه له

با طناً نه فقط تا شریک قطعی جنبش سراسری را بر جنبش خلق کرد نمی وانکار میکند، بلکه اساساً چنین جنبشی و تا ثیرات آن، برایش فاقد اهمیت است، کومه له ناسیونالیست است و با خواست های ویژه به میدان آمده است، او با تمهیدات مختلف و جورا جور، و با فشاری بر منافع خاص خود تلاش دارد تا برای تمام حریصانه اش توجیهات لازم را فراهم کند. در صفحه ۱۱

نگاهی به ...

واداشتن خلق مبارک در کردستان
سیاستهای ارتجاعی خودبه تلاشیهای
جدیدی واداشته اند.

رژیم جمهوری اسلامی که برای
حفظ وبقا موجودیت شکنج خود همچنان
بر سیاست سرکوب و جنگ اصرار میورزد و به
سیح جنگی سراسری در ایران دست
پا زیده است از اوایل ۶۴ و اوایل
سال ۶۵ تعرض جدید و زمان یافته ای را
برای پیشبرد سیاستها و اجرای قوانین
ثرون وسطائی اش در کردستان آغاز کرد
تا ضمن تامین نیروی انسانی برای
جبهه های جنگ زحمتکشان کرد که طی
هفت سال مبارزه سدی مستحکم در برابر
اجرای سیاستهای ارتجاعی رژیم ایجاد
کرده اند، سه زانودر آورد، بدینسان،
سیاست سیح جنگی سراسری در سولوحه
برنامه های مزدوران و ارگانهای
رنگارنگ سرکوب در کردستان نیز قرار
گرفت. یورشهای وحشیانه به روستاها و
محاصره شان آنها، تفتیش و خانه گردیها
کنترل، بازرسی و بازجویی در جاده ها،
و معا بر عمومی و خیابانها، دستگیری
دسته جمعی جوانان به بهانه جنگ و سیح
جنگی همراه با صدور اطلاعیه های پی در پی
ارگانهای سرکوب گسترش یافت و فضای
بلیسی نظامی حاکم بر کردستان تشدید
گردید. توده های مردم جهت سربازگیری
و تسلیح اجباری و اخاذی آشکارا برای
تامین نیروی انسانی و مالی ما عین
جنگی رژیم به وسعت کردستان تحت فشار
قرار گرفتند، اما توده های زحمتکش کرد،
علیرغم کلیه فشارها و تضییقات رژیم
حاضرین سیردن به سیاستهای ارتجاعی
جمهوری اسلامی نیستند و در برابر هجوم
مزدوران به مقابله انقذایی بر می خیزند.
فرار سربازان و دستگیرشدگان از جبهه
ها و مراکز نظامی با حمایت مردم، اعترا
به دستگیری جوانان و فراری دادن آنها،
سربانی تظاهرات و درگیری با مزدوران
رژیم در مناطقی مختلف به امرادی و روزمر
مردم تبدیل شده است. اما با وجود همه
این اعتراضات گسترده و تنفروانرجار

عمیق مردم کردستان از رژیم جمهوری
اسلامی و جنگ ارتجاعی، بدلیل
پراکندگی و سازمان شفافگی مبارزات
توده ها رژیم تاکنون توانسته است
تعداد زیادی از جوانان کردستان را
دستگیر و روانه جبهه ها و مراکز نظامی
نموده و دسترنج توده ها را تحت عنوان
هزینه های جنگی به تاراج ببرد. سه ماه
گذشته سربازگیری و تسلیح اجباری،
اخاذی برای تامین هزینه های جنگی،
اخراجهای دسته جمعی کارگران، سرکوب
و حشانه توده ها و کوچ اجباری عمده
سیاستهای ارتجاعی رژیم را در کردستان
تشکیل میداد که در برابر این سیاستها
مبارزه شورانگیزی نیز از جانب توده
های زحمتکش در کردستان جاری بود.

این گزارش، جمع بندی فشرده ای از
مجموعه مبارزات و اعتراضات انقلابی
توده های خلق کرد است در مقابل سیاستها
سیاستهای ارتجاعی رژیم در کردستان
که در وجود متعدد و با اشکال گوناگون
زحمتکشان کرد در تحت فشار قرار داده
است:

اعتراضات توده های در شهرها:

کارگران و زحمتکشان کردستان در
اثر سیاستهای ضد مردمی و ارتجاعی رژیم
جمهوری اسلامی همانند زحمتکشان سایر
مناطق ایران در سخت ترین و فلاکتنا
ترین شرایط زندگی بسر برده و زیر فشار
سرکوب و خفگان رژیم قرار دارند. به
دلیل موج اخراج کارگران از
کارخانه ها در سراسر ایران مدها تن از
کارگران در کردستان نیز اخراج و به
ارتش عظیم سیکاران پیوستند. دهها
تن از کارگران سازمان آب واداره برق
سندج، تعدادی از کارگران کوره پز
خانه ها، اداره راه مهاباد، تحت بهانه
های مختلف بخاطر مقاومت در برابر
سیح جنگی رژیم از کار بریکار شدند.
توده های زحمتکش خلق کرد، در خفگان
آمیخته ترین شرایط همچنان به مبارزات
خود علیه رژیم تداوم بخشیده و به
مقابله آشکارا با مزدوران پرداختند.
بسیاری از شهرهای کردستان طی مدت
سه ماهه، با زهم ها و اعتراضات
دکهداران علیه یورشهای وحشیانه

مزدوران به اموال نا چیز آنان بود.
اعتراضات و تظاهرات توده ای در مهاباد
سندج نشانگر رشد و انباشته شدن
بود، و در مواردی هر چند که به دستگیری
تعدادی از اعتراض کنندگان منجر شد.
اما تا آزادی دستگیرشدگان ادامه
یافت.

سیح جنگی رژیم و اعتراضات توده ای علیه آن:

طی سه ماه گذشته، عموم مردم
کردستان به بهانه سیح جنگی، تحت
شدیدترین فشارها و کنترل پلیسی قرار
گرفتند. راه های ورودی و خروجی شهرها،
معا بر عمومی و خیابانها تحت کنترل و
بازرسی مزدوران قرار گرفت. تفتیش و
خانه گردی شدت یافت. کارمندان و
فرهنگیان و دانش آموزان برای رفتن
به جبهه ها تحت فشار قرار گرفته و از آنها
خواسته شد تا به خدمت سیح اجباری
رژیم در آیند. دادن جواز کسب به
راندگان و کسبه منوط به داشتن پایان
خدمت سربازی گردید و از این طریق، این
اقتار نیز از کار بریکار شدند تا اجبارا به
جبهه های جنگ بیروند. بسیاری از کسبه
و از جمله کسبه پیرانشهر، در صورت امتناع
از رفتن به جبهه ها، تهدید به پرداخت
جریمه نقدی شدند. تعدادی از کارگران و
از جمله کارگران کوره پزخانه ها، بخاطر
نداشتن پایان خدمت از کار اخراج
شده اند. کارگاه ها و صنوف مختلف نیز
مکلف گشته اند از استخدام مشمولین
خودداری و ورزند، مزدوران افاقه بر
آنکه بر امواج دستگیری جوانان
افزوده اند و خانه گردی های مستمر را
پیش برده اند. از ضرب و شتم و گروگان
گیری خانواده های مشمولین نیز خود
داری نکردند و پرداخت هزینه فریکار ریها
عوا مفریبی های خود افزودند. طر
ارتجاعی "سرباز معلم" و اینکه مشمولین
میتوانند در روستای خود به "خدمت"
سربازی بپردازند، تلاشی ریاکارانه
رژیم در راستای سیاست های عمومی اش
برای سیح اهالی، ادا مدها شده است.
مزدوران رژیم، با برگزاری تجمعاتی از
شوراهای اسلامی مناطق و بخصوص منطقه
در صفحه ۱۵

عملیات انفجاری دسته‌ای از سرمه چاران فدائی

در محور بندر چاه بهار - ایرانشهر

رژیم بسطت اسلامی هر کجاکه قدم می‌گذارد با اراده خلل ناپذیر خلق بلوچ و سرمه چاران قهرمان فدائی آن روبرو می‌شود. رژیم با تمام تجهیزات ویرانگر خود و خسیل نیروهای انسانی خود اعم از سپاه، بسیج و ارتش و... قادر نیست تا زحمتکشان بلوچ را از مبارزه برای تحقق آرمانهای انقلابی خود باز دارد. واقعیت‌های سرخس مبارزه کنونی هر روز و هر ساعت و با قدرت هر چه بیشتر، اراده خلل ناپذیر این خلق قهرمان را آشکار ساخته و آرمان حق طلبانه و دمکراتیک آنها در غرض مسلسل‌های سرمه چاران، در هر گوشه بلوچستان فریاد می‌زند و بر سینه مزدوران رژیم حک می‌نماید. امروز دیگر این واقعیت انکار ناپذیر است که رژیم هر جاکه پا نهاده است با گلوله و انفجار خشم خلق و درمهلکه مرگ و نیستی مواجه گشته است.

طی عملیات متهورانه دسته‌ای از سرمه چاران فدائی یکی از پلهای استراتژیک منفجر گشت. این پل از آن جهت مورد هدف عملیات انفجاری واقع شده که بر روی محور بندر چاه بهار - ایرانشهر قرار گرفته است. رژیم از این جاده بیشترین محموله‌های نظامی و مرفی مورد نیاز خود را ماهیانه توسط ۱۸۰۰۰ تریلر حمل و نقل می‌کند. (اهمیت این جاده قبلا طی مقاله ای در بامی استار شماره ۴۰ درج گردیده است).

این عملیات در ساعت ۱۱/۵ شب ۲۷ خرداد ماه صورت گرفت. طبق برنامه طرح ریزی شده قبلی، سرمه چاران پس از عبور از چند پایگاه دشمن، پل چشامک، کور - منطقه سرباز - واقع در ۱۷۰ کیلو متری ایرانشهر را منفجر کردند. سرمه چاران فدائی قبل از انجام عملیات نسبت به شعار نویسی اقدام کرده و پس از انجام عملیات با پخش اعلامیه‌های سازمان، با هشیاری و نظم انقلابی عقب نشینی کرده و همگی سالم به پایگاه خویش باز گشتند.

پیروز باد جنبش انقلابی خلق بلوچ

درا هتزاز باد پرچم خونین سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
مرگ برا مپریا لیمم جهانی بسرکردگی امپریا لیمم امریکا و پایگاه‌ها خلیش

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - سیستان و بلوچستان

(بامی استار) ۳۰ خرداد ۱۳۶۵

توجه به مسائلی متفاوت طلبانه! یاه ۰ ۰

جای داده است، رهبری این پلوسوک طبقه‌ای نیز در دست بورژوازی کرد است. کردستان جایی بوده است که در این مدت کمونیست‌ها در آنجا حضور داشته و دارای آزادی تبلیغ و فعالیت بوده‌اند، نمی‌توان این آزادی را بدون نقش و عملکرد حزب دمکرات در نظر گرفت."

چنین است اوج بی‌پروایی و بی‌موقعگیری خاصانه و کاسکارانه در مقابل یک نیروی بورژوازی ایران که رگر حاکم خود را در مبارزه طبقه‌ای و لذا بر خورد با نیروهای سیاسی، با به اشتغال کشاندن نظریه مبارزه طبقه‌ای، ماهیت طبقات و نمایندگان سیاسی آن از یک سو، و از سوی دیگر با تحریف در نقش و عملکرد آن نیروی سیاسی که قصد تطهیرش را کرده است، می‌پوشاند.

راه‌کارگر ابتدا ماهیت طبقاتی حزب دمکرات را منشوش میکند، تا از آب گل آلود کرده‌اش بتواند ماهی بگیرد... راه‌کارگر حزب دمکرات را بیلوکسی از بورژوازی، خرده‌بورژوازی و زحمتکشان معرفی می‌کند که البته و برای خالصی نبودن عریضه، رهبری آن را به بورژوازی کرد می‌سپارد. اما این الطوب را به کارگر برای تسبیب طبقه‌ای حزب نه فقط در حال حاضر و برای هرگونه جاسو و عقب‌زدنی کاملاً باز میگذارد، - چرا که سئزحمتکشان هم جزء این پلوسوک هستند -، بلکه برای تغییر موضع در آینده و برای هر بند و بندی نیز در چهارطاقی باز میگذارند، تا عدداً اگر اء - کارگر رگر در کفش نداشت، فهم این مسئله نمیتوانست مشکل باشد که مثلاً بدلیل اینکه حزب جمهوری اسلامی حزبی است مرکب از برخی کارگساران حزب الهی، کاسکارها و تجار و غیره نمی‌تواند این نتیجه رسید که بنا بر این یک حزب اشتلاف طبقه‌ای است و یا بدلیل اینکه اکثریت افراد تشکیل دهنده حزب کارگراکستان را کارگران تشکیل میدهند، این حزبی است عمدتاً کارگری (بسمای دقیق کلمه).

اما این اعتناش آفرینشی راه‌کارگر شامی نیست، راه‌کارگر به مثابه جاده مافکن بورژوازی از این اعتناش آفرینی قمدارده که نقض و عملکرد آزادیخواهی و دمکراسی طلبی را به حزب دمکرات واگذار کند، و از همین رو پس از اختن این زیورینا، برای آن که روینا بش هم چشمگیر باشد، به تحریف آشکار میپردازد و آزادی تبلیغ و فعالیت کمونیست‌ها را از مدته سر حزب دمکرات ارزیابی میکند و همه را فسر میخواند به اینکه نگند زمانی نقض و عملکرد حزب دمکرات را در این مورد در نظر بگیرند.

راه‌کارگر میخواست به توجیه سیاستهای متفاوت طلبانه‌اش در رابطه با حزب دمکرات بپردازد، اما کسار را خرابتر کرد، آمداریش را درست کند، چمنی را هم کور کرد.

در حقیقت سوال کنندگان راه‌کارگر اعتراضان به مقاله‌ای است بنا منقض دمکراسی گناهی نباشودنی که فسادریست و یکمین شماره نشریه راه‌کارگر چاپ شده بود و سوال کنندگان مطرح کرده‌اند که در آن مقاله راه‌کارگر نشان شل آمده است، اما نگاهی به مطالب همان مقاله که مورد اعتراض هم قرار گرفته مشخص میکند که اولاً راه‌کارگر با چه سرعتی طی چندین شماره معاشات طلبی‌اش را تکمیل کرده است و ثانیا نشان میدهد که راه‌کارگر در پاسبخ به معترضین و برای جانداختن سیاستهای فرصت طلبانه‌اش به چه تحریفاتی در موژ نقض و عملکرد حزب دمکرات در رابطه با آزادی و دمکراسی دست میزند.

در حالیکه راه‌کارگر در پاسبخ به اعتراضات پیروانش نسبت به موقعگیری - هایش پیرامون دمکراسی و حزب دمکرات مطرح میکند که: "کردستان جایی بوده است که در این مدت کمونیست‌ها در آنجا حضور داشته و دارای آزادی تبلیغ و فعالیت بوده‌اند و نمیتوان این آزادی را بدون نقش و عملکرد حزب دمکرات در نظر گرفت"، در مقاله نقض دمکراسی گناهی نباشودنی که به علت خویشن داری از بیان کل مطالب و انتقاد آتکی از نقض دمکراسی مورد اعتراض و چون و چرا قرار گرفته، نوشته

بود که: "نقض عملی اصول دمکراتیک از جانب نیروهای حزب دمکرات که اخبار در چند مورد عملاً اختلافات سیاسی را تا حد برخورد های فیزیکی با نیروهای دیگر پیش برده‌اند... مضمون چنین عملکرد - هایی که عملاً عبارت بوده‌اند از عدم تحمل آراء و عقاید دیگر نیروهای مخالف حزب و نشان دادن عصبیت در مقابل آنها تا حد در دروشتی های فیزیکی، عدم رعایت اصول و موازین دمکراسی از جانب نیروهای حزب دمکرات."

میبینید؟ حتی از زبان الکسن رفرمیستهای ما، دامنه عملکرد دمکراسی و اعتقاد به دمکراسی را از سوی حزب دمکرات میبینید؟ راه‌کارگر البته در افشاء اعمال فدمکراتیک حزب دمکرات زیانتش الکن است، چون از زاویه‌ای رفرمیستی و با آرزوی اشتلاف با احزابی نظیر حزب دمکرات، دمکراسی را تبلیغ میکند و بزبان خودش اساساً اعتقادی به طرح دمکراسی از دیدگاه طبقاتی ندارد، از اینهم بگذریم که راه‌کارگر در کمال فرصت طلبی سیاستهای حزب دمکرات را به نیروهای حزب دمکرات نسبت میدهد، با این وجود همین میزان اعتراف راه‌کارگر نسبت به اعمال حزب دمکرات، هر کدک دبستان را هم بفکر میاندازد که پس چگونه است چنین حزبی که نمیتواند حتی آراء و عقاید مخالف نیروهای دیگر را تحمل کند و کار را به درگیریهای فیزیکی میکشاند چه نقض و عملکردی در اعمال دمکراسی و آزادی در کردستان - آتم برای کمونیست‌ها - می‌تواند دارا باشد؟

اما راه‌کارگر رفرمیست ما با را در یک کفشی کرده که خبر! ما با یدشکر گزار حزب دمکرات باشیم که به مسا آزادی و دمکراسی اعطا میکند و لذا چرا که اختلافی در کار است، با تذکرو انتقادی ناصحانه، همه چیز میتواند در شاهراه آزادی و دمکراسی قرار گیرد، و از همین روست که راه‌کارگر پیروان متعترض خود را مخاطب قرار میدهد و مینویسد:

"بله رفیق، ما فکر میکنیم که تجربه شش سال گذشته و مبارزه حزب دمکرات در سکر دمکراسی و خود مختاری، به داتتن چنین انتقاری و لاجرم انتقاد، بد نقض

بیشتر روستاها را از طریق همکاری با
شوراها و اسلامی مورد بحث و بررسی
قرار گرفت و با توجه به دستورالعملها و
ریزگیهای جدیدی که در وضع جبهه‌های
تیردو وجود آمده است، به منظور برپا
ریزی، جذب، آموزش، سازماندهی، آموزش
نیروهای مردمی... لازم بود روستاها
ریزی خاصی داشته باشیم و روی این
مسئله نیز بحث و تبادل نظر شد.
(گفتار رادیو سنندج - ۶۵/۴/۲۲)

این جملات بیان شده از زبان
سران رژیم، خود به بهترین شکلی گویا
اهداف رژیم است و مقاصد را که برای
آن تلاش میکند، آشکار میسازد، تنها می
شود امیدوار بود این نظرات که رژیم با
اختصاص انرژی زیاد و با "برپا کردن ریزی
خاص" در مدد پیش برد اهداف ارتجاعی
از کمال شوراها و اسلامی روستایی در
کردستان میباید.

اکنون این نهادها و ارتجاعی،
هرچند با درجات متفاوت، اما همگی
فعالیت‌های خود را مطابق رهنمودهای
داده شده آغاز کرده اند تا رژیم را در
تکلیف‌های خود روستاها به خواست‌های
ارتجاعی یاری کنند.

شده‌های خلق کرد ما در این
رابطه باید هوشیاری انقلابی خود را دو
چندان کنند، اگر چه در بسیاری از روستا-
ها، راجع به تکلیف خلق کرد با تنفر و ازجا
به این "شورا"ها نگریسته و حاضر نیستند
هیچگونه همکاری با آنان داشته باشند،
اما آنان باید بدانند که شوراها و
اسلامی ارگانهای وابسته به رژیم و
ابزاری در خدمت جنگ میسای باشند.
روستاها را باید آگاه باشند و بدانند
که اگر در میان این "شورا"ها عناصر و
نمونه‌هایی یافت میشوند که در مقابل
خواست مزدوران رژیم مقاومت کرده و یا
آنکه بطور فعال و همه جانبه با رژیم
همکاری نمیکنند، این یک امر عمومی و
یادداشتی نیست، نباید فراموش سازند
که قطعا حرکت این "شورا"ها در تمام جود
این خلاف را نیز بر کرده و همچون سایر
شوراها و اسلامی درست در اختیار رژیم
و در خدمت منافع او قرار خواهند گرفت.

روستاها را زحمتکش، هیچگونه توهمی
نیست به شوراها و اسلامی نباید داشته
باشند، شوره‌های خلق کرد باید بگویند
تحریم این شوراها و ارتجاعی، نقشه‌های
رژیم را با شکست مواجه سازند، آنسان

بی گسرترا شد و بویژه در ارتباط و
سرازمگیری اجباری شوره‌ها را ترغیب و
تشویق نمودند و آنان را به تمکین و
دارند!

بخش "ثامیان" مربوط به ازجمله
مناطق بوده است که ظرف مدت فروردین
ماه سال جاری تاکنون، چندین بار ناظر
برگزاری جلسات مشترک مقامات دولتی
و این "شورا"ها بوده است. اخیرا، پس از
دو روز برگزاری جلسات وسیع با
"شورا"های بخش "ثامیان"، برای سومین
بار تعدادی از این "شورا"ها را در روستا
"سروآباد" گردآورده و آنان را خواستند.

اندتا برای تحقق اهداف ارتجاعی رژیم
تلاشهای جدی تری را بکار بندند.

فرماندار مردور شهر مربوط به همسراه
دیگر مسئولین دولتی در این جلسات
سخن رانی کرده و هر یک به نحوی سعی در
جلب همکاری بیشتر این "شورا"ها و
مشارکت فعال آنان و در ضمن حرکت
عملی در جهت برآوردن نیازهای رژیم
نمودند. مزدوران در این نشستهای صحبت‌های
خود، قطعنامه‌ای نیز صادر کردند و ضمن
تهدید "شورا"ها، از آنان خواستند تا
مفاد آن موافقت کنند با ازجمله مواردی
که در این قطعنامه آمده است، حمایت از
مسوبات مجلس شورای اسلامی در رابطه
با جنگ ارتجاعی ایران و عراق و تعیین
مهلّت معین برای معرفی مسئولین و
همچنین وفاداری به "امام"... بوده
است.

آخرین نمونه این تلاشهای هدفمند،
گرد هم آئی مسئولین روابط عمومی و
جهادهای سازندگی سراسر کشور در سنندج
مورخ ۶۵/۴/۲۲ بود، که "نحوه تشکیل
مراکز آموزشی نیروهای مهندسی جنگ
در مراکز استانها" و همچنین
جمع بندی فعالیت‌های مرگ‌ها هنگی
شوراها و اسلامی روستایی "را مورد بحث
و بررسی قرار داد. فعالیت هماهنگ
شوراها و اسلامی روستایی، استفاده
بیشتر از روستاها در مسئله جنگ، شرکت
شوره‌ها در آرزو با لایحه جنگی بهره‌گیری
از ابزار "شورا"ها و فعال تر نمودن آنان
در این زمینه، محور بحث و گفتگوهای
سران مزدور رژیم بوده است.

لاهیجانی عضو شورای مرکزی و
قائم مقام وزیر جهاد و زندگی، در یک
مباحثه مطبوعاتی، موضوع و نشانی
حاصل از گرد هم آئی را چنین توضیح
میدهد: "در این نشست، مشارکت هر چه

شورای اسلامی، ابزاری در خدمت ه ه

تلاشهای بی وقفه مزدوران رژیم
برای راه اندازی و استفاده از این
"شورا"ها، مخصوص در رابطه با ریزی
اجباری و اعزام مسئولین به جبهه‌های
جنگ ارتجاعی، ابدا دوسمی بخود گرفته
است. مزدوران با اعمال فشار و کنترل
سراسری بر "شورا"ها، از آنان می
خواهند که کمال همکاری را داشته باشند
و در این زمینه با رها ب تهدید تیر
تیر شوند.

نمونه دیگری از اصطلاح فساد
کردن این "شورا"ها، کوششهای رژیم در
روستاها و اطراف مربوط است. منطقه
مربوط به یکی از نقاط مهمی بوده است که
رژیم با اصرار فراوان سعی در گستراندن
بین ارگانها در آن داشته است. تلاشهای
رژیم برای ایجاد شوراها و اسلامی
روستاها در سال ۶۳ و پس کوششهای
دامه‌ها را و در پرتو ۶۴ نشانگر اهمیت
بین چنین نهادی در این منطقه برای
رژیم است. هر چند که تکرار این گونه
وششها خود در عین حال مبین عدم
سنتقال شوره‌ها از اینگونه نهادها و
عدم مشارکت فعال آنان و در واقع عدم
و فقت رژیم در پیش برد سریع و همه
انبه اهداف ارتجاعی رژیم نیز
ست. در پرتو سال گذشته از اهل
روستاها و منطقه خواسته شد تا دوازده
مراکز روستا بعنوان نماینده معرفی
نند، پس خود مزدوران پنج نفر از آن
را بعنوان اعضاء "شورا" برگزینند.
تالی روستاها با اعتراض، تنفر خود را از
نگونه "شورا"ها اعلام داشتند، اما
عوض مزدوران رژیم نیز با تهدید و
غاب و ایجاد تانج و محدودیت در امر
ذکی شوره‌ها، از قبیل قطع کوبین خوار
و غیره و خلاصه با اعمال خونسخت و
کوب می در ایجاد چنین ارگانهای
شته اند.

امسال نیز همزمان با برگزاری
بنارهای سراسری شوراها و اسلامی در
ح استان کردستان، جلسات و سمینار-
ن متعددی با شرکت شوراها و اسلامی
نهای مختلف این ناحیه برگزار
شده و از آنان خواسته شده است تا در
تایش پرده‌ها در رژیم فعال تر و

کومه له، رادیکال دره . . .

وگرنه کمیت که نداند بدون انقلاب دمکراتیک توده های در یک کشور، بدون آنکه این انقلاب توسط یک سازمان نیرومند و ولستری (حزب کمونیست) رهبری شود و امری در کردستان با انقلاب دمکراتیک توده های سراسری در یک جریان واحد و نیرومند ادامه گردند، ملت کرد نمیتواند بر شوشت خود را بدست گیرد و بر آن حاکم گردد! مگر تماشای شواهد و تحارب عینی در کشور ما، ترکیه و غیره جز ناشیدی برای این حقیقت بوده است؟ اما گوش کومه له بدهکار این صحبت ها نیست، او اصولی (؟) ویژه دارد و از این رو خود را مقید به رعایت اصول و قانونمندیهای مبارزاتی نمیبیند، هر چند که این اصول صحت و حقانیت خود را در عرصه برای تیک اجتماعی بدشبوته رسانده باشد! کومه له برای حل (؟) مشکل ملی و مسئله ملی در کردستان، راه حلی ویژه دارد، راه حلی که در اساس با تکیه بر همان منافع و تسایلات تنگ نظرانه و ناسیونالیسم خرده بورژوازی، که در عمل به دنبال فروی از ناسیونالیسم بورژوازی می انجامد، ترسیم میشود. لنین، پاسخ امثال کومه له را پیش از این چنین داده است.

"بگذار بورژوازی مردم را با برنامه های ملی "مثبت گوناگونش بغریبید، کارگریکه شعور طبقاتی دارد به بورژوازی پاسخ خواهد داد که فقط یک راه حل برای مشکل ملی وجود دارد (تسا) آنجا که بطور کلی این مسئله در دنیای سرمایه داری، دنیای سود خوار و استثمار قابل حل است (؟) و آن راه حل، دمکراسی پی گیر می باشد." (لنین: ملاحظات انتقادی درباره مسئله ملی - تاکید از ما)

و اما کشف اصول ویژه و ترویج این ایده های متعصبانه از جانب کومه له، نباید چندان هم تعجب آور باشد. در دستگاه فکری کومه له، ابدا عاقلی زاین دست کم دیده نمیشود. مسئله بر سر این نیست که کومه له پیروزی جنبش انقلابی خلق کرد و کسب حق تعیین سرنوشت خویش را، بدون پیوند با جنبش سراسری و بدون تحقق دمکراسی پرولتری که

یکانه دمکراسی پی گیر است ممکن می شمارد، بلکه اساسا مسئله بر سر درک کومه له از پیروزی جنبش خلق کرد است. کومه له در همان "جمع بندی"، شمار "پایه ای" و "اساسی" اثر را "خروج قوای جمهوری اسلامی از کردستان" (صفحه ۱۳) قرار داده است و تحقق همین شعار را "اساسی" را، "پیروزی جنبش کردستان" معنی میکند. او میگوید:

"پیروزی جنبش کردستان - یعنی درهم پیچیدن و بیرون راندن قسوی اشغالگر جمهوری اسلامی از کردستان و استقرار حاکمیت انقلابی توده های مردم کردستان - بدون شک حاصل یک انقلاب توده ای با همه ابعاد، عرصه ها و ابزارهای آن است" (صفحه ۶۰)

چنین است درک بسیار عاقلی کومه له از پیروزی جنبش انقلابی خلق کرد و با آنطور که کومه له میانه "جنبش کردستان"! "در هم پیچیدن و بیرون راندن قوای اشغالگر" که آشهم حاصل یک انقلاب توده ای "با همه ابعاد"؟ "عرصه ها" و "ابزارها"ی آن است!

اگر فکر میکنید که ممکن است کومه له دست از کلی باقی های مکرر و خسته کننده بردارد و دو تلمه حرف مریخ و حسابی بزند، در اشتباهید، عدم صراحت و مبهم گویی، دیگر به جز "لایتنر" از وجود او بدل شده است. اما این کلیسی با فیه و پیروشی های جیونانسه، مانع از آن نیست که درک به غایت است انحرافی او از پیروزی جنبش انقلابی خلق کرد مستور بماند، کومه له دو سال پیش نیز استراتژی خود را بر همین "برچیدن نیروهای سرکوبگر از کردستان" و با "خروج قوای اشغالگر" قرار داده بود و در برنامه های که امروز ما بر آن صحنه گذاشته است چنین میگوید:

"ما برای کسب حق تعیین سرنوشت و بدست آوردن خود مختاری از طریق جنبش انقلابی مسلحانه خلق کرد، با استراتژی درهم شکستن و برچیدن نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی از کردستان مبارزه میکنیم . . ." (برنامه کومه له برای خود مختاری، صفحه ۶)

اینست روش کومه له برای کسب حق تعیین سرنوشت و درک عمیق او از پیروزی جنبش انقلابی خلق کرد! که مدام بر آن پای نکرده است و با اظهارات دانشمندانه ای همچون:

"برچیدن نیروهای سرکوبگر

جمهوری اسلامی از کردستان"

"بیرون راندن قوای اشغالگر جمهوری اسلامی از کردستان"

"خروج قوای جمهوری اسلامی از کردستان"

آنها را بیان داشته است. این کلمات و جملات که حتی در ظاهر نیز چندین تفاوتی ندارند، همگی دارای مضمونی واحد و یگانه اند که در "جمع بندی" مباحث کنگره کومه له، "برنامه کومه له برای خود مختاری" و یاد دیگر نشریات او به عنوان شعار پایه ای و استراتژیکی، عنوان گردیده و همین دیدگاه و در باب پیروزی جنبش انقلابی خلق کرد است.

در حالیکه پرولتاریای ایران سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی را در دستور کار قرار داده است و درهم شکستن ماشین بوروکراتیک نظامی بورژوازی پیش شرط انقلاب پیروزمند ایران و با پیروزی جنبش انقلابی خلق کرد محسوب میشود، کومه له "بیرون راندن قوای اشغالگر" "خروج قوای جمهوری اسلامی از کردستان" و . . . را در پیش روی "پرولتاریای کردستان" میگذارد.

این درک، خبیگان کومه له ای از "پیروزی جنبش انقلابی کردستان" گاه به آنچنان ساده اندیشی و سطحی نگری مبدل میشود که، کومه له حتی پیروزی خود را در جنگ و با پیروزی پیشمرگان خود را در سر بردن نیروهای سرکوبگر و "شکست قوای جمهوری اسلامی"، همان پیروزی جنبش خلق کرد قلمداد میکند.

"تا مین پیروزی جنبش انقلابی کردستان، محمول عملکرد نیروهای مادی و اجتماعی است که در عرصه این مبارزه عمل میکنند، مبارزه را به پیش میبرند و قادرند انرژی و توان مورد نیاز برای پیروزی را از اسازند و جمهوری اسلامی را شکست دهند!" (صفحه ۸)

اگر بخوانیم این عبارت پیر طعناقی کومه له را به زبان آدمیزاد برگردانیم و زواید کلی آنرا که دردی هم از کومه له دوا نمیکند حذف کنیم، معنی آن چنین میشود، با شکست جمهوری اسلامی "پیروزی جنبش انقلابی کردستان" تا مین میشود. نیروهای رژیم جمهوری اسلامی چنانچه در جنگ با پیشمرگان کومه له دچار شکست شوند، "پیروزی" مورد نظر کومه له هم تحقق یافته است. اینست آن "تصویر روشن از افق پیروزی"

کومہلہ، رادیکال درہ ۰۰

ہی "کہ کومہلہ" دربرابر تودہ ہا
ارمیدہد! ۔
وقتی کہ بیروزی جنبش خلق کرد
روح قوای اشغالگر از کردستان "تلفی
د، وقتی کہ بیروزی جنبش انقلابی
دستان، همان شکست جمهوری اسلامی
شد، و وقتی کہ درک کومہلہ از مسائل
این درجہ نازل، عقب مانده و محدود
ت، براو هیچ ایرادی نیست اگر تحت
وان "مارکسیسم انقلابی" و داعیہ
فداری از طبقہ کارگر، بجنل های
خانی متعلق بہ دوران تولید خود را
خراج نشستہ و ایدہ های ناسیونال -
بنیستی را اشاعہ میدہد۔

کومہلہ پس از "مرور ہا و ضاع
دستان" و تصویر بسیار روشنی! کہ از
فق بیروزی "جنبش خلق کرد" را شہ
دہد، میخواستہ مروری ہم بر "نیروہای
جین کنندہ" این "بیروزی" داشتہ
شد، از اینرو در "جمع بندی" خود بہ
ارہ کردن "نیروہا" (۴) و جریانات
بین کنندہ ای کہ در بیروزی این
ش نقش کلیدی و حیاتی دارند " (۵)
پردازد، و در این زمینہ آنقدر بہ
راط در بیہودہ گویی های دور و دراز
ار میشود و بہ ہراکنندہ گویی های بسی
تہا دامن میزند، تا مگر گنج گیری و
فتہ فکری خود را بہ خوانندہ نیز
تخال دہد و ذہن او را از مسئلہ اصلی
ر نماید، و از نیروہای مختلفی کہ
بر حال بہ جمہوری اسلامی فشار می
رند " سخن میگوید :

"از میان نیروہای مختلفی کہ
بحال بہ جمہوری اسلامی فشار میآورند،
نیرو یا سہ جریان اساسی وجود
رند کہ قادرند در صورت بیم یافتہ شدن
یوری اسلامی را سہزادہ آورد و روند"
معہ ۸) پس این نیروہا را چنین
حرد گسترش جنبش کارگری، "بقاء و
جنبش ہمما نی دمکراتیک بر سر مسئلہ
، و دمکرا تبسم معین در کردستان"،
یربا ندن و رشد مبارزہ مسلحانہ" و در
راینہا خنثی کردن عنصرازش " !
نندہ ای کہ این قسمت از "جمع بندی"
ظالمہ کردہ باشد، متوجہ این نکتہ
است کہ، کومہلہ ہیئتاً، بہ ہر دری

میزند، آسان و ریسمان را بہم میبافد،
ہر نیروی را کہ "بہر حال بر جمہوری
اسلامی فشار میآورد" نہ تنہا بہ حساب
می آورد و مدت ہا روی آن بحث میکند،
بلکہ آنرا اساس تعیین کنندہ نیز می
خواند، تن بہ ہرگونہ خردہ کاری می
دہد، ہمہ چیز را بہم میبافد، برای آنکہ
قادر گردد، جنبش کردستان را آنطور کہ
خود میخواستہ "بیروزی" برساند، او
بخاطر آنکہ از جنبش کمونیستی ایران،
از رہبری طبقہ کارگر و از پیوند مبارزات
کارگران و زحمتکشان کردستان و دیگر
نقاط ایران سخن نگوید، بہ ہمہ این
تلاشہای عبث جنگ میزند و خود را مشغول
میدارد! والحق کہ استعداد دشگرف خود
را در تئوری با فیہای پوچ و بی محتوا،
بہ نمایش میگذارد، کومہلہ حاضر است
از انواع و اقسام نیروہا اسم ببرد، نہ
تنہا از یک نیرو، بلکہ از چندین نیروی
تعیین کنندہ سخن بگوید، تا مسئلہ
اصلی را در پی این ہراکنندہ گوئی ها
پنهان کند و از کراصل مطلب طفرہ رود
و در یک کلام، کومہلہ برای آنکہ چیزی
نگوید، حرف زیادہ میزند !
بی اعتقادی کومہلہ بہ ضرورت

اعمال رہبری طبقہ کارگر ایران -
انقلاب، موجب آن میشود کہ فقط از
"جنبش کارگری" تبسم در سطح کردستان
صحت کند، ناسیونالیسم و ناپیگیری و
درآمد مکرسی با عت آن است تا بہ
"رشد جنبش ملی در کردستان" و "دمکرا -
تبسم معین" پردازد ! او محدودنگری را
حتی بہ آنجا میرساند کہ میخواستہ اول
"کارروزی را در کردستان یکسرہ کند"،
کومہلہ از آنجا کہ نیروی محرکہ
خود را در جنبش خلق کرد و در اقتدار تولید
کنندگان خردہ فانی بازمی یابد،
استراتژی پرولتاریای ایران را عملاً
تابع مصالح جنبش خلق کرد میآورد و بہ
این جنبش، جدا و مستقل از مبارزہ
پرولتاریای ایران بر علیہ بورژوازی
می نگیرد، و قصد آن دارد کہ ابتدا،
قوای جمہوری اسلامی از کردستان بیرون
کند ! - تا بہ زعم خود کارروزی را یک
سرہ کردہ باشد ! - و پس "حکومت خود
مختار انقلابی را سازمان دہد" و آلتر -
ناشیو خود را جانشین کند، و میگوید :
"با ید بتوانیم در راں تودہ های
مردم کردستان و با بہ حرکت در آوردن
سریع نیروہای کہ پیش تر توضیح دادہ،
شد (منظور ہما نیروہای تعیین کنندہ

و یا اساسی است !)، کارروزی را در اس
جا یکسرہ نمایم و حکومت خود مختار
انقلابی کردستان را سازمان دہیم"
(ص ۱۱ - پرانتز از ما)

کومہلہ، براستی از این طریق ہم
حوزہ عمل خود را بیش از پیش روشن
میسازد، و ہم وفاداری و تعلق خاطر
بیش از خود را بہ ناسیونالیسم
دیرینہ ! - او ہم جنبش کردستان را بر
جنبش سراسری مقدم میسازد، و ہم امر
ملی را بر امر پرولتاریا ۔

ناسیونالیست های بورژوازی
گویند کہ امر ملی در درجہ اول و امر
پرولتاریا در درجہ دوم قرار میگیرد، و
یوروکویج ها، دوستف ها و دیگر
مارکسیست ها بعد از این ہا نیز آنرا
تکرار میکنند، ما میگوئیم امر
پرولتاریا با ید مقدم باشد، چرا کہ نہ
تنہا منافع مداوم و پایہ ای کارگر و
بشریت، بلکہ منافع دمکراسی را نیز
حمایت میکنند و بدون دمکراسی نہ یک
اوکرایین خود مختار قابل تصور است و نہ
یک اوکرایین مستقل " (لنین : ملاحظیات
انتقادی)

اما کومہلہ با این اصول بیگانہ
است، او ہم بہ دمکراسی پی گیر بسی
اعتقاد است و ہم آنکہ طرفدار نوعی "خود -
مختاری" است کہ در چہا رچوب یک حکومت
بورژوازی مرکزی دست یافتنی مینماید!
و مهمتر آنکہ، اهداف او را برآورده می
سازد، برای کومہلہ مهم نیست کہ
حکومت مرکزی چہ ما حیثیتی دارد، و
دمکراسی او چہ معنی میدہد، برای او
مضمون دمکراسی جنبش های ملی نیز
چندان اہمیتی ندارد، برای کومہلہ
مهم اینست کہ قوای رژیم از کردستان
بیرون برود، ا تا او "حکومت خود مختار"
خود را سازمان دہد، کنہ تفکر کومہلہ
اینست کہ برای مسئلہ ملی مطلقیت
قائل است و آزادی ملت کرد را، منوط بہ
بیروزی طبقہ کارگر نمیداند، و چشمہای
خود را بر روی ہمہ واقعیات می بندد و
قادر بہ دیدن در آمیختن ملت ہا در
وحدتی بالاتر از وحدت ملی کہ خارج از
ارادہ، و خواست امثال کومہلہ تحقیق
میبا بدو چہا رچوب های تنگ جغرافیائی
و فرهنگی را در ہم میریزد، یعنی وحدت
پرولتری نیست، وسیعی میکند تا بسا
قیافہ ای حق بہ جانب، ناسیونالیسم
خود را عادلانہ جلوہ دادہ و بہ یاری الفاظ

کومه له، رادیکال دره

مارکسیستی به پالایش آن بپردازد، تا هر شکل ممکن آنرا با مارکسیسم آشتی دهد. اما این ناسیونالیسم پالایش یافته در هر حال ناسیونالیسم است و مارکسیسم را با ناسیونالیسم هیچگاه آشتی ننموده است!

"مارکسیسم با ناسیونالیسم سرشتی ندارد، حتی با "عقلدانه ترین"، "ناب ترین"، "پالایش یافته ترین" و "متمدنانه ترین" نوع آن، مارکسیسم بجای حاکم اشکال ناسیونالیسم، آنترناسیونالیسم را پیش میبرد، یعنی در هم میخشد تمام ملتتها در وحدتی بالاتر، جدتی که در برابر چشماتمان و با هر میل آه آن که ساخته میشود، با هر تر است حین الطلی و هر انجمن کارگری که تشکیل گردیده است (انجمنی که نه تنها در فعالیت های اقتصادی اش بلکه، نظرات و اهدافش نیز بین المللی است) در حال گسترش است." (لنین: ملاحظات انتقادی درباره مسئله ملی، تاکید از ماست)

و اما آن آنترناتو بی بدیلی نه کومه له پس از "بیرون راندن قوای شانلگر" و "یکسره کردن کار رژیم" به رمان می آورد، بسیار جالب توجه است کومه له میخواهد پس از "به زانو آر آوردن" رژیم حکومت مورد دلخواه بود، یعنی "حکومت انقلابی مردم" را بجا آورده و "حاکمیت مردم" را نیز برقرار سازد! اگر کسی بخواهد مختصات عا رهای کومه له را که فشرده بینش او را بیان کند، ترسیم نماید، این شماره ها هورت زیر در میاید.

"برچیده" باد "نیروهای سرکوبگر مجبوری اسلامی از کردستان" زنده باد "حکومت خودمختسار انقلابی در کردستان".

برقرار باد "حاکمیت مردم" اینست تجسم آن همه هوش و ذکاوت و مهله! "حاکمیت مردم"!! اما این دست پخت کومه له، این حاکمیت مردم "چه هست و به لحاظ سیاسی، حاصلتی دارد؟ ترکیب و تشاب قوای ستاشی در آن چگونه است؟ معلوم نیست. این "مردم" از چه گروههای اجتماعی

تشکیل یافته اند و چه کسانی هستند؟ با کارگران و زحمتکشانند؟ با خورده بورژوازی نیز جزو این "مردم" اند؟ باز هم معلوم نیست.

در این "حکومت انقلابی مردم" و یا "حاکمیت مردم" یا بخشی از مردم، بر بخشی دیگر حکومت میکنند یا نه؟ و یا اینکه قدرت سیاسی در دست کیست؟ دیکتا توری چه طبقه ای علیه چه طبقه و یا طبقاتی اعمال میشود؟ دولت از گان سیادت کدام طبقه است؟ دمکراسی برای چه طبقه ای است؟ و... پاسخ هیچیک از این سوالات در آنترناتو نیو ابداعی کومه له روشن نیست.

رادیکالیسم خرده بورژواشی کومه له که متمایز از رادیکالیسم پرولتری است، فقط تا این حد پیش می رود که "حکومت انقلابی مردم" را بطور کلی طرح کند! رادیکالیسم کومه له، یک رادیکالیسم شکلی بیش نیست او بطور کلی بر رادیکالیسم پای می فشارد ساختمان این رادیکالیسم اما در عمل و در تظاهرات حاد طبقاتی و یا آنجا که حرکت از عا م به خاص آغاز میگردد، بکلی درهم فرو میریزد.

دمکراتهای ناپیکیر ما، این حاکمین دمکراسی خرده بورژواشی قادر به درک این مسائل و پاسخگویی به آن نیستند، آنان همواره از پاسخ به این سوالات مشخص شانه خالی کرده اند، عدم صراحت و سکوت، شاید موجب آن شوند که مشت کومه له بیش از اینها باز نشود! از اینرو با ظفره روی از برخورد مشخصی سنی میشود مرز میان طبقات که امروز بیش از هر زمان دیگری تفکیک شده است درهم ریخته و مخدوش شود.

"حاکمیت مردم" کومه له، جز آنکه تفکرات عموم خلقی را اشاعه دهد، و جز آنکه نوشته های نشریه "مردم" را در ذهن خواننده تدا عی کند، هیچ مسئله مشخص دیگری را پاسخ نمیدهد. در حکومت مورد نظر کومه له، نه تنها هیچ طبقه ای بر هیچ طبقه و یا طبقات دیگری اعمال قدرت نمیکند، بلکه همه در کنار هم و در صلح و مفار و برادری به سر میبرنند! کومه له کاشف آنچنان دولتی است که حامل هیچگونه مضمون طبقاتی نیست! دولتی در خلا، دولتی ما و را، طبقات، دولتی عموم خلقی! این بینش عمیقاً پوپولیستی کومه له، بیخ گوش و در دمان سهند که خود را "مبتکر" مبارزه بسا

پوپولیسم و انمود میکند، ضمن آنکه بسیار جالب توجه است، درجه جدی بودن سخنان قلمزن های دیررسیده، سهندی را نیز روشن مینماید.

چنین است که کومه له، این پرچم دار ناسیونالیسم دهقانی و مدافع اقتصاد دخره، میخواهد در یک چنین "حکومتی" سوسیالیزم را نیز بنا نهد! اما روشن است که سوسیالیسمی که در یک "حکومت خلقی" توسط یک "دولت خلقی" بخوا هد بنا نهاده شود، جز سوسیالیسم خلقی (دهقانی) چیز دیگری نمیتواند باشد.

کومه له در "جمع بندی" خود، البته که سیاست اقتصادی حکومت مسرور دلبخواش را نیز بنا روشن و در ابهام گذاشته است. او ظاهراً وعده داده است تا "سیاست اقتصادی این حکومت را روشن و تدقیق نماید" (صفحه ۱۱) هر چند که از جانب کومه له چنین حرکتی بسیار بعید مینماید، اما این تدقیق بطور قطع نمیتواند فراتر از چهار چوب سیاستهای کلی و بینش عممی کومه له باشد، دمکراسی کومه له در عرصه اقتصاد، به همان نسبت از ناپی گیری برخوردار است که دمکراسی سیاسی او.

کومه له از همان زمان که بدون توجه به اصول اساسی مارکسیسم و بویژه بدون توجه به مبانی لنینی تشکیل حزب و همچنین تجارب ارزشمند جنبش کمونیستی ایران و جهان، به پرولتریزه کردن گام بگام تولید کنندگان خرد آغاز نمود و ده ها نان کردستان را بجای طبقه کارگر ایران نشاند، در واقع امر ماهیت "حزب کمونیست" ادعائی خود را نیز برملا ساخت، تجمع بخشی از اقشار میانی جامعه آنهم در یک منطقه، از نظر کومه له همان حزب کمونیست است. از همین رو است که با اصرار فراوان سعی دارد خود را کمونیست و نماینده طبقه کارگر بخواند، هر چند که "عرصه کار و بیزه" یا عرصه واقعی و محدوده عمل کومه له، چون آئینه ای تمام قد، نه تنها چهره حقیقی، که تمامیت پیکر او را به مناسبت یک سازمان محلی و ناسیونالیست و خود بورژواشی منعکس میکند، اما او بسا لجاجت ذاتی، لباس مارکسیستی بر تن میکند و دست از جمله برداری در مسرور طبقه کارگر و حزب مستقل او بر نمیدارد، او هر چند به تشکیلات سیاسی طبقه کارگر،

کومه له، رادیکال دره ه ه

حکیم و کمونیست این ابزار را می کند، از آن بعنوان "ابزار تعیین کننده" غط و پیروزی "جنبش نام میبرد، اما رواقع مسطورا و از این سازمان "ابزار" جز خود او چیز دیگری نیست. همین است که عقب ماندگی تاریخی و انضامیت کومه له از زیر لاس نیز بیرون میزند.

"تشکیلات کمونیستی، حزب سیاسی مقله کارگر که مستقل از افت و خیزهای جنبش در رهبرای بی نیروهای مادی و اجتماعی را به جلو هدایت کند، ابزار تعیین کننده (اینهم یک فاکتور تعیین کننده دیگر) حفظ و پیروزی این جنبش نیز هست" و سبب اغافه میکند:

"در کردستان اکنون چنین تشکیلاتی وجود دارد و چنانکه قبلا نیز اشاره شد، بر خود را برای جنبش حک نموده. ست" (صفحه ۹ تا کید و پراشترا از ماست) پس اینست آن سازمان سیاسی طبقه رگر مورد نظر کومه له، کومه له خود تشکیلاتی کمونیستی است، "حزب سیاسی قدح کارگر" است و "مستقل از افت و خیزهای جنبش" همان ابزاری است که روزی جنبش را تعیین میکند، کومه له آن نیروی تعیین کننده است.

کومه له، این پارچه کردستان "حزب و نیست"، که هم پیروزی جنبش خلق در ادرچا رچوب کردستان ممکن می آید، و هم نیازی به انقلاب سراسری و کت و رهبری طبقه کارگر ایران در آن ندارد. میباید، میخواست، یک تنه و در همان دستان انقلاب بیا کند و بر فراز سر نه مانکن روستائی به ساختمان و سیالیم "ببردازد".

اما این صحبت ها، کومه له زمانی گوش میبرد که سخت تا شبر و تشخیص برده تر از "های سهندی سخن میگوید. در چنین مواقعی، به تکرار قالی برخی ناظ و کلمات روشننگری که خوش آیند ن است میپردازد، ولی آنگاه که سهندی تا این کودک را را میسازد تا آنطور به والقاء شده بر روی پای خود بچند و یا قدمی بردارد، کومه له، همان زمان انقلابی زحمتکشان کردستان به در میاید، اوضاع بسیار مضحکی

وجود می آید، چرا که بهر حال کومه له میخواست مطابق میل و هدایت های سهندی کام بردارد، اما پای زحمت و دهقانسی او در کنش نامناسب، نازک و کم دوام اهدائی سهندی، آنچنان مجموعه نامیم. آهنگی را ایجاد میکند که کومه له در همان قدم های اول دچار اشکال میشود، این است که چه بسیار هنگام راه رفتن پای فزار را در می آورد، اما از دور انداختنش پرهیز میکند.

می بینیم که کومه له پس از کنگره، در اساس همان کومه له پیش از کنگره است، افکار، شیوه ها، سنن و سیاستهای کومه له حقیقتا نه متعلق به طبقه کارگر، که متعلق به طبقات و اقشار غیر پرولتری است، کومه له ناسیونالیست، هنوز هم یونیدیست است، او یک جریان محلی است که منافع دهقانان و دیگر اقشار میانی را نمایندگی میکند، او اگر چه علییه "استداده و اختناق حاکم" در کردستان به مبارزه برخاسته است و با خشم، برخاسته گری میکند، اما پشت از سوسیالیسم بیمناک است، بینش کومه له، بینش عموم خلقی است و سوسیالیسم او، سوسیالیسم دهقانی، جین سوسیالیسم دهقانی کومه له در برخورد صریح و قاطع به مسئله قدرت سیاسی آشکار میشود و بینشش پرولیتستی او ناشی از مارکسیسم خرده بورژوازی است.

کومه له در بند تحصیل کرده های سهندی و گرایشات تروتسکیستی و تفکرات موسوم به خط ۳ از یک سو، و تمادهائی که ناشی از ماهیت این جریان و واقعیات موجود، سطح و مشمولین مبارزه انقلابی در کردستان است، از سوی دیگر سخت گیر افتاده است، گنج سری و درهم اندیشی، از هم گسیختگی و تناقض گوئی در تمام عرصه های نظری و عملی این جریان رسوخ یافته است، در عین حال او مقهور ایدئولوژیهای ورشکسته گشته است.

کنگره پنجم کومه له بر همه موارد فوق مبرناشید زد، کنگره نه تنها نمیتوانی کومه له را در حل تناقضات خود ثابت کرد، بلکه نشان داد که انحرافات کومه له نه سطحی، و نه مربوط به امروز است، این انحرافات و تناقضات، در تفکرو پرا تیک کومه له عمیقاً ریشه دارد و خود را در شرایط مختلف به اشکال متفاوت ظاهر میسازد.

کنگره پنجم هیچ طرفی برای

کومه له نیست! شاید میبایست کنگره دوم "حزب کمونیست" سهندی که وعده انتشار آن داده شده است، چنین رسالتی داشته باشد! ؟

کومه له موش زانید، تا سهندی آیتن چه باشد! ؟

شورای اسلامی، ابزاری در خدمت ...

شاید ا جازه دهند این "شورا" قادر امور زندگی شان مداخله نمایند. مردم هر روستا باید اعضاء این "شورا" ها را در روستای خود اشتهاء و کاملاً طرد کنند و نگذارند رژیم ارتجاعی از طریق این ارگانهای جاسوسی و سرکوب به مقاصد ضد مردمی خود دست یابد.

رژیم ارتجاعی و در مانده جمهوری اسلامی برای این با و راست که با گستراندن این "شورا" ها و ضمیمه نمودن آنها به ارگانهای اقتدار خود، خواهد توانست بی شایسته و موسعیت متزلزل خود را در کردستان تغییر داده و سلطه همه جانبه اش را برقرار سازد. رژیم بر آنست تا از جمله با استفاده از این ابزار، خلق مبارز کرد را از مبارزه انقلابی و داندانش با زدارد و به اهداف و سیاستهای ارتجاعی دیگر خود خصوما در رابطه با جنگ ارتجاعی ایران و عراق جامه عمل ببوشاند.

اما، شوراهای اسلامی، همچون دهها ارگان رنگارنگ طفیلی دیگر رژیم نخواهد توانست اراده خلل ناپذیر خلق کرد را درهم بشکند، بی شک تشدید مبارزه انقلابی بوده های زحمتکش خلق کرد، تمامی محاسبات رژیم را درهم خواهد ریخت.



نگاهی به ...

مربیان، از آنان خواستند تا ضمن
سایه و معرفی مبارزین، مردم را برای
فتن به جبهه ها و کمک به آنان ترغیب
نند.

اما بسیاری از روستاها و مناطق و
ویژه منطقه بانه طی اعتراضات متعدد
سفران را خود را از رژیم به نمایندگی
داشتند. عموم توده ها با روحیه ای مبارز
ویانه و مقاومت با سیاستهای ارتجاعی
رژیم مواجه شدند. برخی از روستائیان،
برای تن ندادن به سیخ جنگی، روستاها
ی خود را ترک نمودند. در برخی مناطق و از
حمله منطقه میباد، مقاومت توده ها
ختم گیر بود. دست اندرکاران رژیم در
بین شهر با جمع آوری حدود ۲۰۰ نفر از
مبارزان منطقه ارومیه در میباد، و راه
نداختن نمایان مسخره ای کوشیدند
انمودارند، مردم میباد دعا زم جبهه ها
ستند! و در واقع از این طریق ضعف و
پوئی خود را در سیخ توده ها آشکار
نختند.

اعتراضات توده ای علیه
مبارزگیری اجباری:

رژیم جمهوری اسلامی تقریباً در
تمام مناطق و بخصوص روستاها، با
اعتراضات توده ای مواجه بوده است و
استوان از پیشبرد سیاستهای ارتجاعی
ود، با ناگزیر از عقب نشینی شده است و
استد سیاستهای سرکوبگرانه خود
نزوده است. وجود اعتراضات جندی و
صمانه در برخی مناطق، مزدوران رژیم
به عقب نشینی واداشته است. اما در
رخی مناطق که اعتراضات جندی و
خدا نه صورت نگرفته رژیم توانسته
ست تا حدودی به نیات ارتجاعی خود
ست بابد.

اهالی زحمتکش و مبارز روستاها ی
منطقه بانه علی رغم فشار سرکوب مزدور
به سیاست سیخ جنگی رژیم تن نداده و
زرفتن به سربازی امتناع کرده اند،
زحمتکشان روستاهای این منطقه در
سال اعمال زور و تضییقات رژیم دست
به اعتراض زده و با مراجعه دسته جمعی به
مهربانی قریبادهای اعتراض آمیز خود

ترتیب با پراکنده شدن در روستاهای
اطراف امکان مبارزه متحد و یکپارچه از
آنان گرفته شده است. در صورت هر
کجا که رژیم با مبارزه و اعتراض دسته
جمعی اهالی روبرو شده است مجبور به
عقب نشینی گشته و گرنه با توسل به سرکوب
و فشار، توانسته است تعدادی را به تسلیم
وادارد. در دوردستای بوکان، برخی
روستاهای سردشت و سقز، رژیم توانست
است تعداد قلیلی را مسلح نماید. اما
در عوض مقاومت و اعتراض دسته جمعی
اهالی روستاهای دیگر موجب عقب
نشینی رژیم گشته است. اهالی برخی
از این روستاها با مراجعه به شهر و تجمع
در مقابل ارگانهای دولتی، با اعتراضات
یکپارچه خود مزدوران را در عملی
ساختن سیاستهای ارتجاعی رژیم ناکام
گذاشته اند، اما اعتراضات روستائیان
در محل روستای خود، شکل عمومی مقاومت
اهالی بوده است. روستاهای سنندج
متخما با در پیش گرفتن چنین شکلی از
مبارزه، رژیم را به عقب رانده اند.
تهدیدات مکرر رژیم و محدودیت های
مختلف همچون منسح عبور و مرور
شانه، جلوگیری از رفتن به "هوار" و
حتی محاصره روستاها و دستگیری و
زندانی نمودن آنان، هیچیک برای
رژیم سودبخش نبوده است.

اعتراضات توده ای علیه
کوچ اجباری:

رژیم جمهوری اسلامی طی سه ماهه
گذشته در مدد اجرای سیاست ارتجاعی
کوچ اجباری زحمتکشان نیز برآمده
است. چندین روستای سردشت و بانه زیر
شدیدترین فشارها برای تخلیه روستاها و
کوچ اجباری قرار گرفت. اما اعتراضات
مردم زحمتکش این مناطق، تاکنون
رژیم را از اجرای این سیاست ارتجاعی
بازداشتاده است. طی این مدت به چندین
روستای اطراف سردشت اعلام شد که در
اسرع وقت روستاهای خود را تخلیه کنند
و گرنه روستاها را با توپ و خمپاره
خواهند کوبید. اما زحمتکشان روستائی
چهارم مراجعه دسته جمعی به شهر سردشت و
تجمع در برابر فرمانداری و مقر سپاه
پاداران، و چند روستاهای خود، دست
به اعتراض زده و اعلام داشته اند که هرگز
روستاهای خود را تخلیه نخواهند کرد.

را علیه سیاستهای ارتجاعی رژیم سر
داشته اند. در روستاهای دیگری، پیش
از ورود مزدوران به روستا، جوانان محل
را ترک کرده و سرکوبگران را در پیشبرد
سیاستهایشان ناکام گذاشته اند و در
قبال ددمنشی های مزدوران و شیرانداز
بر روی جوانان برای اعتراضات خود شدت
بخشیده و حتی با یگانه مزدوران را نیز
مورد حمله انقلابی خود قرار داده و آنان
را به عقب نشینی واداشته اند.
اهالی روستاهای حومه دیواندره، منطقه
ربط و میباد دیزین و رشای وحشیانه رژیم
را برای سربازگیری ناکام گذاشتند و با
اعتراضات دسته جمعی و سنگ بسارن
مزدوران آنان را وادار به عقب نشینی
کرده اند.

اما در عین حال مزدوران در مواردی
با اعمال خشونت هر چه بیشتر و با زور
سرنیزه و شیراندازی توانسته اند تعدادی
از جوانان را دستگیر و روانه پادگان
و مراکز نظامی نمایند. در شهر سقز طی
یک خانه گردی حدود ۲۰۰ نفر از جوانان
دستگیر میشوند. اخیراً منطقه میباد
و میباد دیزین متخما مبین این واقعیت
است که علی رغم مقاومت اهالی، در
اثر ادا به سرکوب و تشدید فشار و خلاصه
اعمال خشونت های بی حد و حصر از
جانب سرکوبگران، تعدادی دستگیر و به
مراکز نظامی رژیم اعزام گشته اند.

اعتراضات توده ای علیه
تسلیم اجباری:

رژیم به بهانه سیخ جنگی بر
تداوم سیاست ارتجاعی خود منی بر
تسلیم اجباری زحمتکشان خلق کرد
اصرار ورزید و سرورانه کوشید تا با مسلح
کردن اجباری، آنها را با فرزندان
بیشتر مرگ خود در درو قرار دهد. این
سیاست ارتجاعی نیز با مقاومت و
ایستادگی و اعتراضات انقلابی توده ها
روبرو شده و توده های مبارز و آگاه به
خدمت اهداف ارتجاعی رژیم در شانه مدتها
اند. سرکوبهای دائمی و مستمر جهت
پیشبرد این سیاست ارتجاعی، در هر
روستا به تناسبات آگاهی و پتانسیل
انقلابی، با اعتراضات خود بخودی آنان را
در اشکال گوناگون برانگیخته است. در
برخی روستاها، بجای ایستادگی و اعتراض
رو در روی اهالی، آنها به قصد مقابله با
مزدوران روستا را ترک نموده اند و با

نگاهی به . . .

خارهای بی حد و حصر مزدوران، برای اهالی روستاهای اطراف با نه نیز اعتراضات اهالی این منطقه را باز انگیزه است. رتداوم این سیاست ارتجاعی اهالی ریب به سیزده روستا به شهر سدرت رفته با اجتماع در برابر فرمانداری علیه وج اجاری و توطئه باران منطقه شانلان سیما دست به اعتراض زدند.

همچنین ادا ما اعتراضات روستا - یان برای مراجعه به روستاهای خود که ال گذشته توسط نیروهای سرکوبگر به تن کشیده شده بود و مجبور به کوچ اجباری ده بودند، مزدوران رژیم را بطور نسی اداره عتب نشینی کرد.

اعتراضات توده ای علیه رکوب وحشیانه :

بدلیل تداوم مبارزه انقلابی حمتگان کردستان، رژیم درمانده ترار جی به سرکوب وحشیانه و غیر انسانی سی توده های زحمتکش توسل جست و با شیوه ها دینانه و جنایتکارانه ای با ایجا د خای رعب و وحشت و سرکوب، مذبحخانه کوشده توده ها را از مبارزه انقلابی دعتب نشانند، تا چند صبحی به عمیر نکتین خود بیفزاید، اما این سیاستی نا یکتارانه نیز نه تنها باعث تضعیف و حیو زحمتگان نمیگردد بلکه آنها را در باره شان علیه رژیم مصمم تر و راده شان را مستحکم ترمی نماید.

نوهین وسعی به حقوق زنسان یط نیروهای سرکوبگر در کردستان نیز مانند سراسر ایران تنقروا از جا مردم حمتکش را علیه رژیم بیشتر از پیش انگیزه و حرکات اعتراضی توده ای را عت گردیده است :

در روستای "حسین آباد" سندر، در نبراض به نوهین و مزاحمت به یک زن ان توسط پاسداری، اهالی این روستا ست به یک راهپیمایی اعتراضی زده و نرف پایگاه حرکت کرده و خواستار نازات این پاسدار و خروج کلبه دوران از روستای خود شدند.

در "چه که لیره" محل زیست کارگران ره پزخانه واقع در محو روکسان با توتاب، کارگران بعنوان اعتراض

به خاسیا که به دختر نوجوانی تجاوز کرده بودند به آنها حمله کرده و یکی از آنها را خلع سلاح میکنند که مزدوران جاش و پاسدار آنها را به رگبار بسته و دو کاپر را به شهادت رساندند.

اهالی دور روستا در منطقه بیوکان، در اعتراض به ربودن یک دختر توسط یک جاش و پاسدار با تعرض دسته جمعی به سوی آنها دختر زحمتکش را از دست مزدوران نجات میدهند، که مزدوران نیز پدر این دختر و یک نفر دیگر را به رگبار بسته و آنها را به شهادت میرسانند، در اعتراض به این عمل وحشیانه، اهالی به شهر رفته و در برابر سپاه پاسداران تجمع میکنند و خواستار مجازات آنان میشوند.

از جمله شیوه های سرکوب رذیلانه رژیم، کائناتن مین در مسیر تردد توده ها است، طی سه ماهه گذشته هفت تن از مردم در اثر شکار مین کشته و چهار نفر دیگر سر

خروج گشته اند. این امر همواره اعتراض و تنقیر توده ها را بدینال داشته است. علاوه بر این ها، محاصره روستا ها، تفتیش و خانه گردی و تخریب خانه ها، غارت اموال مردم، ضرب و شتم و دستگیری اهالی زحمتکش روستا ها برای بد زانو در آوردن آنها و به هم کاری اجباری واداشتن با مزدوران و قطع ارتباط مردم با پیشمرگان خلق کرده، از جمله سیاستهای روزمره رژیم در کردستان بوده است. اما اعمال این سرکوبگرها همواره مقاومت و اعتراض اهالی را در پی داشته است. روستاهای مناطقی هه وشار، سندر، مهاباد، نقده، سدرت و ربط با اعتراضات دسته جمعی و باره - پیمایی به طرف پایگاه مزدوران، و گا ها حمله به سوی مزدوران علی رغم تیراندازی از جانب آنان، به مقابله با رژیم سرکوبگر برخاسته اند. منطقه ربط نیز شاهد اتحاد و یکپارچگی روستا - شیان و از آن مستر همبستگی اهالی چند روستا با یکدیگر بود. سرکوبگران کسه روستای "چوالان" را به محاصره در آورده و با تفتیش و بازرسی خانه ها، ضمن ضرب و شتم اهالی چار نفر را دستگیر و همراه خود به پایگاه "شخهل" میبرند. این حرکت مزدوران شتم و تنقیر اهالی را بر سر انگیزه و آنان بعنوان اعتراض به طرف پایگاه راه پیمایی میکنند. خبر اعمال وحشیانه مزدوران، بر اعتراضات مردم روستای "چوالان" در روستاهای "شخهل" و "تا و سه مله" پخت شده و اهالی ایستادن

روستا ها تیر به سنان. همسنگی با مردم روستای "چوالان" و ایران تنقروا از جا رژیم به سوی پایگاه روانه شدند. خواستار آزادی دستگیر شده زندان - این حرکت دسته جمعی و با شکر، مردم را وحشت زده کرده. و فرمانده مردور با ت اعلام میکنند که "اشتباه کرده ایم" و از این دستگیر شده در اثر مبارزه متحدان دت و ها زحمتکش این روستا آزاد میگردند.

همچنین در سه ماه گذشته تسبب و خمپاره ساران روستا ها نبراد اما میاست که موجب شهادت پنج نفر و مجروح شدن هفت نفر دیگر گردید. اعتراضات توده علیه آن نیز ادامه داشته است. راه - پیمایی های اعتراضی توام با شعار دادن علیه رژیم، علیه پاسداران و جاشها، سازتا با اعمال وحشیانه مزدوران بوده است. حدود هشت تن از مردم زحمتکش با تیراندازیهای جنون آمیز از اعدام های وحشیانه در ملا عام مورد انتقام کشی جنایتکاران قرار گرفتند. دامسداران و چادر نشینان نیز برکنار از سرکوبگرها رژیم نشودند، اما در تمامی موارد، توده ها فریاد اعتراض آمیز خود را بلند کرده اند.

مبارزات مردم زحمتکش روستایی، علیه حضور مزدوران در روستا ها، موجب برجیده شدن برخی از پایگاه های مزدوران از روستا گردید. اعتراضات دسته جمعی مردم روستای "عه زیزتا" و "در منطقه دیواندره و بخصوص روستای "چا وک" در منطقه مریوان که حتی به درگیری و خلع سلاح یکی از مزدوران انجامید، سرکوبگر را وادار به خروج از این روستا ها نمود. بخش خبر این اعتراض دسته جمعی در منطقه باعث آن شد تا اهالی روستاهای دیگری نیز خواستار خروج مزدوران از روستای خود گردند.

مشخصات عمومی اشکسال اعتراضی توده ها در سه ماه گذشته

سراجم رژیم جمهوری اسلامی با تعرضی گسترده و سازمان یافته و با تمرکز نیرو توانست با زور و اسلحه، شمار سرکوب وحشیانه تعداد زیادی از جوانان را دستگیر و روانه حبسه ها و مراکز نظاسی خود نماید و دسترنج نا چیز توده ها را تحت عنوان کمک به جبهه های جنگ به یغما برد. علت این مسئله را با یستی در عدم مبارزه در سه ماهه

تقدیر

تلاشهای مزدوران در شهر سقز نیز همچون دیگر شهرهای کردستان حاکی از آن است که رژیم به منظور سرکوبگری اجباری فشارهای بازهم بیشتری را بر توده‌ها تحمیل نموده است. کنترل جاده‌ها، ترق کردن راه‌های ورودی و خروجی شهر و کنترل مسافریین و غیره، همه در جهت دستگیری جوانان بوده است. جاش‌ها و گشت‌های شاه‌الله مدار و مارکوپچه‌ها، خیابان‌ها در حال پیگرد جوانان هستند و خانه‌های آنان از معرض تفتیش و بازرسی و غیره در امان نیست. درهمین رابطه مزدوران توانسته‌اند تعدادی از جوانان را دستگیر و روانه پادگان‌ها نمایند.

هفته اول شیرماه، روستاهای "کوره‌پره"، "همزه قره‌نیا" و "کیلشین" واقع در بخش گشورک، به منظور سرکوبگری اجباری مورد محاصره نیروهای سرکوبگر رژیم قرار گرفت. جوانان روستایی که پیش از محاصره توانسته بودند روستاها را ترک نمایند، هجوم وحشیانه مزدوران را برای دستگیری خودبلااثر ساختند. اوایل خرداد ماه نیز روستاهای "مهرخوز" ابتدا به محاصره مزدوران درآمد و سپس جهت سرکوبگری، وحشیانه به درون آن هجوم برده شد. عده‌ای از جوانان توانستند از دست مزدوران فرار کنند و برخی از آنها غافلگیر شده و دستگیر شدند. همچنین روستای "کیلشین" که به همین منظور مورد پیورش مزدوران واقع گشته بود، با اعتراضات شدید اهالی مواجه شد و مردم توانستند سرکوبگران را به عقب‌نشینی وادارند.

طی یک هجوم وحشیانه به روستاهای "کاشی سبد"، "تیر دو حیان در حین کار" دستگیر و به پایگاه سرکوبگران منتقل میشوند. اهالی روستا بعنوان اعتراض به پایگاه "خورخوره" مراجعه کرده و خواستار آزادی آنان میشوند.

اخبار جنبش توده‌ای



سرکوبگری اجباری و اعتراضات توده‌ای علیه آن

نیوهای سرکوب، به سرکوبگری میپردازد و در روستای "شنگان" چهار نفر را دستگیر میکنند. فرد دیگری از این

روستا به جرم آنکه فرزندش فرار کرده است دستگیر میشود.

اخیرا برخی از مقامات دولتی، همچون مسئول سپاه و اطلاعات، بخشدار و غیره به روستاهای این منطقه رفته و از مردم خواسته‌اند تا مشمولین را معرفی نمایند. در بخش‌های دیگر سردشت نیز اعمال فشار برای سرکوبگری اجباری ادامه داشته است. روستای "گومان" و چند روستای دیگر مورد هجوم مزدوران قرار گرفته و تعدادی دستگیر و روانه شهر سردشت شده‌اند. در تاریخ هفدهم خرداد ماه، روستای "تیس‌پهر" بار دیگر به منظور سرکوبگری اجباری به محاصره مزدوران درآمد. اما مشمولین پیش از ورود سرکوبگران به روستا، توانسته بودند محل را ترک نمایند.

سردشت

با ردیگر شهر سردشت و روستاهای طرفین از جانب مزدوران رژیم به منظور سرکوبگری اجباری، و سیما مورد هجوم قرار گرفت. گروه ضربت سپاه پاسداران سرکوبگران ارتشی، با دایر کردن سب‌های متعدد بازرسی در طول جاده‌ها، اقدام به کنترل و دستگیری جوانان نمودند. مزدوران همچنین بدنبال تشنگشاه‌های خود به مردم شهر، دست به انداختن زده و تعدادی از جوانان را نیز دستگیر نموده‌اند.

در تاریخ بیست و چهارم خرداد ماه، روستاهای "دولکان"، "مزن شایو"، "بردان" و "شنگان" از بخش شالان سردشت، سانه به محاصره مزدوران رژیم درمی‌آید. سرکوبگران، پس از محاصره با داخل روستاها ریخته و با اعمال خشن ترس

اخیر جنبش توده‌ای

بوکان

چندی پیش روستای "قره‌لی" از جانب مزدوران رژیم به قصد سرپا زگیری اجباری مورد حمله واقع می‌شود. سرکوب گران تحت زور و اجبار و با کمک نیروی اسلامی، اهالی را در مسجد روستا گردآورده و اقدام به بنام نویسی برای اعزام به جبهه‌ها می‌کنند. اما اس‌ا عمل مزدوران مورد اعتراض شدید مردم واقع می‌گردد. مزدوران ضمن تهدید توده‌ها، و برای آن که جلوی اعتراضات آنان گرفته شود، یک نفر از جوانان را دستگیر می‌کنند ولی خود این عمل، خشم و تنفر هر چه بیشتر آنان را برانگیخته و موجب گسترش دامنه اعتراضات می‌شود. زنان روستائی که در بیرون از مسجد تجمع کرده بودند نیز دست به اعتراض می‌زنند و با حمله به خود و مزدوران جبهه‌های آن را می‌شکنند. اعتراضات اهالی، تا آزادی فرد دستگیر شده ادامه می‌یابد. بدنبال این حرکت اهالی، مزدوران مستقر در پایگاه "قره‌لی" هر گونه رفت و آمد در شب را ممنوع اعلام کرده و عملاً برقراری حکومت نظامی و اینکه هر کس حتی در هنگام روز بخواهد از روستا بیرون برود یا بیستی مزدوران را رنجبران بگذارد، سرفشارها و سیاست‌های ضعیف آمیز خود را فزوده‌اند. همچنین به اهالی روستاهای اسواخ و "و-آ" ارجانب رژیم اخطار داده‌اند که جهت اعزام به سرپا ز خود را و بنیادهای سرکوبگر رژیم مرعی نمایند.

رابط

در تاریخ شوزدهم خردادماه، تعدادی از جانش‌های مستقر در روستای "نیزه" به همراه گروهی زیبا سا در آن مستقر در روستای "میرناوه" روستای "گه‌نسان" را بنظر

سرپا زگیری اجباری مورد هجوم و حمله خود قرار داده. مزدوران پس از محاصره روستا، به بازرسی و تفتیش خانه‌ها پرداخته و چند نفر را دستگیر و به پایگاه‌ها اعزام داشتند. اهالی روستا نسبت به این اقدام ارتجاعی دست به اعتراض زده و متحدانه به مزدوران سرکوبگر حمله ور شدند. اما مزدوران با تیراندازی بروی اهالی یک نفر را مجروح ساختند. روستائیان علی‌رغم تیراندازیهای سرکوبگران از اعتراضات خود تا بیرون راندن مزدوران دست برنداشتند.

سنندج

در تاریخ هفتم تیر سرکوبگران جمهوری اسلامی دستورهای اسلامی بخش "کلاته‌رزان" را صادر نمودند که طی مسدود بیست روز یعنی تا تاریخ بیست و هفتم تیرماه، مشمولین متولد سالهای ۱۳۲۷ تا ۱۳۴۷ را برای سرپا ز به مراکز نظامی معرفی نمایند. شوراهای اسلامی، این ارگان‌های جاسوسی وابسته به رژیم نیز فعالیت‌های خود را در جهت برآوردن هدف رژیم آغاز کردند.

مزدوران رژیم همچنین بر تلاشهای خود برای سرپا زگیری از روستاهای "به‌ریله‌ساران" سنندج نیز افزوده‌اند. سرکوبگران رژیم جمهوری اسلامی در نیمه دوم خردادماه طی نامه تهدید آمیزی به اهالی روستاهای این منطقه با رد دیگر اخطار کرده بودند که مشمولین را معرفی نمایند در غیر این صورت آنان را با زداشت و روانه جبهه‌ها خواهند کرد. اما اهالی این منطقه به تهدیدات مکرر رژیم وقتی ننهاد و از معرفی مشمولین خودداری می‌کنند. سرکوبگران رژیم برای دستگیری جوانان شب‌با زده تیر ماه روستاهای "تازه‌آباد" و "توفی بله" را محاصره می‌کنند و مانع خروج اهالی از روستا می‌گردند. سپس به داخل روستا یورش برده و به خانه‌گردی می‌پردازند. اما موفق به دستگیری هیچکس نمی‌شوند.

بانه

تلاشهای تهدید آمیز مزدوران رژیم جهت سرپا زگیری در روستاهای بانه نیز تا کام ماند.

در تاریخ دهم خردادماه، تعدادی از مزدوران رژیم تحت عنوان گروه "مرست"، اهالی روستاهای "دول‌سنه" و "یوشین" - بالا را در روستای "هواره خور" جمع کرده و آنان را تهدید می‌کنند چنانچه مشمولین نزاری را تحویل ندهند و چنانچه مشمولین تا بی‌طرفی پنج روز (پانزدهم تیرماه) خود را معرفی نمی‌نمایند، به مجازات خواهند رسید و سهمیه گوشت هر دو روستا قطع خواهد شد. اما تهدیدات مزدوران رژیم بنابر این می‌ماند. نه اهالی مشمولین را تحویل می‌دهند، و نه مشمولین خود را معرفی می‌کنند.

مهاباد

اخیرا مزدوران سرکوبگر رژیم به منظور دست‌یابی به سیاست ارتجاعی خود، اهالی روستاهای بخش "یل‌تمر" را بیش از پیش تحت فشار قرار داده‌اند. مزدوران با تقویت پایگاههای خود در این منطقه بنظر سرپا زگیری، مداوماً به روستاهای این بخش یورش می‌برند. اما علی‌رغم همه این فشارها و سیاستهای سرکوبگرانه، زحمتکشان روستاهای این بخش در مقابل اهداف ارتجاعی رژیم مقاومت کرده و به شیوه‌های مختلف از رفتن به سرپا ز امتناع کرده‌اند.

تلاشهای سرکوبگر

سنندج

اخیرا سرکوبگران رژیم جمهوری اسلامی با اعمال سرکوب و فشار بیش از حد در چند روستا از توابع بخش "چشم‌شار" توانسته‌اند تعدادی از روستائیان را به تنهایی اجباری وادارند.

انتخاب جنبش توده‌ای

در تاریخ هفتم تیرماه، مزدوران رژیم، روستای "کله‌بفه" توخان "زابه" محاصره درآورده و به هیچکس اجازه خروج زروستان نمیدهند و پس از جمع کردن اهالی به آنان میگویند "باید هر شب ده غرا ز شما نگهبانی بدهید"، زحمتکشان روستائی در مقابل این خواست مزدوران طوریکه رجه دست به اعتراض میزنند و حاضر به نگهبانی اجباری نمیشوند. مزدوران برای ترساندن اهالی، آنان را وار و بر و سائل نقلیه خود کرده و به آنان میگویند با دیده جبهه‌های جنگ بروند و یا آنکه در روستای خود نگهبانی بدهند و بدین ترتیب، روستائیان را وادار به نگهبانی اجباری میکنند.

همچنین چندی پیش روستای "گورکوره" مورد هجوم مزدوران قرار میگرفت و طی آن بیست و هفت نفر اهالی دستگیر و مورد شکنجه و سرکوب مزدوران قرار میگرفتند. آنان یک هفته در بازداشت مزدوران با مقاومت شجاعانه، از پذیرش سیاست ارتجاعی نگهبانی اجباری سر باز میزنند. دیگر اهالی نیز در مخالفت با این سیاست ارتجاعی و در حمایت از بازداشت‌شدگان به اعتراضات خود ادامه میدهند. اما سرانجام، در اثر همکاری تعدادی از مرتجعین، سیاست نگهبانی جباری را بر اهالی تحمیل میکنند.

در روستای "سورشاژه" مزدوران قدام به برقراری یک پایگاه ننوده برای نگهبانی اجباری اهالی، از آن استفاده مینمایند. مزدوران همچنین نفت و آمد توده‌ها را ممنوع اعلام کرده و زنان روستائی اعلام میدارند که باید حجاب اسلامی را رعایت کنند. روستائیان، مقابل این فشارها مقاومت کرده و متحداً دست به اعتراض میزنند و حتی به مقررات منع عبور و مرور توجه ننکرده و نگهبانی اجباری را نیز نمی‌پذیرند. مزدوران، برای مقابله با توده‌ها، بر تعداد نیروهای سرکوب خود می‌افزایند و ورسی و یکم خردا دما، امام جمعه سنج نیز برای فریب اهالی، به این روستا رفته و به ایراد سخنانی میپردازد.

اما توده‌ها فریب این مرتجع را نیز نمی‌خورند و به خواست او یعنی نگهبانی اجباری اعتراض میکنند. سرانجام مزدوران تعداد زیادی از مردان روستا را دستگیر نموده و پس از شکنجه فراوان، آنان را به نگهبانی اجباری وادارند.

گرفته و یک اعتراض دسته‌جمعی علیه سیاست تسلیم و سرپا زگیری اجباری شکل میگیرد. مزدوران برای مرعوب ساختن اهالی، هشت نفر مزبور را بازداشت میکنند. اما اعتراضات فوق، برای آزادی دستگیرشدگان ادامه می‌یابد.

ماریوان

بدننا ل اعمال فشا روتهدیدات پکرور روستائیان "کهنجیران" در بخش "خاومیرنا" جهت تسلیم اجباری و تعیین ضرب‌العجل‌های مکرر، سرانجام صبح روز هفدهم تیرماه، سرکوبگران رژیم روستای فوق را محاصره نموده و پس با اعزام حکومت نظامی آغاز به خانه‌گردی کرده و هشت نفر را دستگیر و تحت زور و اجبار، تسلیم میکنند. اما افراد تسلیم شده، بقا مله کوتاهی سلاح‌های تحمیلی رژیم را بر زمین میگذارند که این حرکت آنان مورد حمایت و دفاع بقیه اهالی قرار

اخیرا مزدوران سرکوبگر رژیم بسیاری از روستاهای بخش منگسوران مها با درامتنور تسلیم اجباری روستائیان مورد هجوم خود قرار داده‌اند. چندتن از اهالی روستای "کده‌وش" تحت زور و فشار اجبار را تسلیم شده‌اند. همچنین تعدادی از اهالی روستای "دبوکر" و "سلم‌سول" را نیز با زور و سر نیزه وادار به تسلیم شده‌اند.



سرکوب و حشانه زحمتکشان

نشانه ترس و هراسی هم
در مقابل

جنبش انقلابی خلق کرد است

همچنین در تاریخ بیست و نهم خردادماه، چادر نشینان "ملک‌داوی" توسط سرکوبگران رژیم به توپ و خمپاره بسته میشود که بر اثر آن یک زن جان خود را از دست میدهد. و چندراس‌گا و گوسفند نیز تلف میگردد.

روزی خردا دسیردا مداران بسی دفاع در "جینگه" واقع در پشت روستای گاشی موه‌جان "هدف گلوله" مزدوران قرار گرفتند که در اثر آن یک زن زحمتکش جان خود را از دست داد. در همان روز دام داران مستقر در منطقه "کوچک‌رشت" جاشی که فرماندار مزدور پیرانشهر چادرزن در آن را مجاز دانسته بود، ابتدا ازیر آتش توپ و خمپاره سرکوبگران قرار میگیرند و سپس مزدوران با نشان حمله ور شده و

پیرانشهر

روز بیست و دوم خردادماه، پاسداران مستقر در پایگاه "به‌رودناز" به چادر نشینان "دول حاج براییم" و حشانه حمله برده و از آنان میخواهند تا برایشان آذوقه تهیه نمایند. یک تن از این مزدوران بوسیله نارنجک آنان را تهدید میکنند چنانچه از برآوردن خواست آنها امتناع شود، همگی را خواهند کشت. مزدوران پس از اطلاع، از حضور پیشمرگان در منطقه، از محل دور میشوند و یک راس گوسفند را نیز با خود میبرند.

اخبار جنبش توده‌ای

بدون آنکه با آنان مجال بدهند و با شل بود را از چادرها به بیرون انتقال دهند، رکمال وحشیگری تمامی چادرهای آنان را به آتش میکشند و دویغرازان را نیز دستگیر و با خود میبرند.

همچنین مزدوران مستقر در بایگاه کوره‌کان "به چادرهای اهالی گردنه‌لن" سیراندازی میکنند که در اثر آن یک زن کشته میشود.

مزدوران رژیم که در کشتار و وحشیگری است همه جنايتکاران را از پشت بسته اند، ز قنط استیمال دست به چارچا یتي ميزنند نان گوش به فرمان سرمایه داران و نارنگران آماده اند تا خشن ترين بيوهای شرور و سرکوب را نسبت به خلق حمتکنی کردا عمل کنند.

در همین رابطه شب ششم تیر ماه، مرکوبگران مستقر در بایگاه های "بته دی" "گه‌ده دار"، روستای "میشه دی سفلی" را بوب و خمپاره باران کردند و خسارات مالی فراوانی به اهالی آن وارد ساختند، بردای آن شب، یعنی روز ششم تیر ماه، روستای فوق مورد حمله وحشیانه مزدوران را گرفت، مرکوبگران کلیه اهالی این روستا را دستگیر نموده و روانه بایگاه خود نمودند. مزدوران جنايت پيشه، در آغاز، نان روستایی را در محلی زندانی کرده، پس در نهایت وحشیگری بر روی سایر مردم آتش گشودند، و دوازده نفر از اهالی را مجروح ساختند. یک زن روستایی نیز در همین رابطه جان خود را از دست داد.

در تاریخ دوم تیر ماه نیز یکی از اهالی زحمتکش روستای "گه‌ده دار" واقع در منطقه "ستگوران" هدف گلوله مزدوران سرار گرفت و جان خود را از دست داد. حمتکنی دیگری اهل روستای "میشه دی" مزدوران شریران را به شدت مجروح شد.

همچنین اول تیر ماه روستای "کانی خلیل" توسط مزدوران رژیم خمپاره باران کرد و در اثر آن یک زن مجروح گردید. در تیر ماه نیز مزدوران چهار سر را از اهالی روستای "گه‌ده‌مندار" واقع در منطقه "نه‌لین" را دستگیر و مورد ضرب و

شتم قرار میدهند. همان روزا سوال دو نفر دیگر از اهالی این روستا مورد چهارول و غارت مزدوران واقع میشود.

روزیست و یکم تیر ماه، چند تن از خردسالان روستای "شختان" یک عدد گلرله بوب پیدا میکنند و پس از آنکه آنرا در آتش قرار میدهند، گلوله منفجر شده و موجب مرگ یک نفر از آنان و تلف شدن دوازده راس دام میشود.

میریوان

اهالی روستای "وله‌زیر" متحدا نه مراسم نمایی روز قدس را به عنوان اعتراض تحریم کردند. علی رغم دعوت های مکرر مزدوران از مردم برای شرکت در این مراسم بجز چند تن از وابستگان رژیم کسی دیگری در این مراسم شرکت نداشت. اهالی زحمتکش روستای "وله‌زیر" با تحریم یکبارچه مراسم، کینه و نفرت خود را نسبت به مزدوران رژیم جمهوری اسلامی به نمایش گذاشتند. مرکوبگران بخاطر اشتقاق کشتی به روستا حمله کرده و چند نفر را دستگیر نموده و با خود میبرند اما در مقابل اعتراضات اهالی ناچار میشوند آنها را آزاد نمایند.

روزیست و هشتم خرداد ماه، مرکوبگران رژیم جمهوری اسلامی در روستای "هزارخانی" واقع در بخش "شامیان" میریوان جنايت دیگری آفریدند. بدنبال نزاعی که میان یکی از جاشهای مزدور و دو تن از اهالی این روستا ایجاد شده بود، مردم زحمتکش روستایی تجمع کرده تا بتوانند به نزاع، خاتمه دهند، اما در همین زمان از طرف مزدوران مستقر در بایگاه، بر روی جمعیت آتش گشوده میشود که بر اثر آن سه زن جان خود را از دست داده و حدود ده نفر دیگر عییز مجروح میشوند. چند روز بعد (۱۵ تیر ماه) یک تن از مجروحین در بیمارستان میریوان نیز جان خود را از داده است.

همچنین در تاریخ ششم تیر ماه، گروه فریت "نه‌نجیران" متشکل از جاشهای محلی و تعدادی پاسدار ویسجی که چندین بار بر سر راه مردم کمین گذاشته و پس از غارت و چپاول اهالی پرداخته اند، در گردنه پشت روستای "نه‌جی" یک نفر را از پشت به گلوله می بندند و به شدت او را

زخمی میکنند. اهالی روستای "دره‌وهران" که به محل تیراندازی نزدیک بوده اند، با شنیدن صدای تیراندازی خود را به محل رسانده و چند تنی که زخمی شده اند را به روستای "دره‌وهران" منتقل کرده و در آنجا با شعار دادن بر علیه رژیم جمهوری اسلامی و اعمال ددمنشانه مزدوران میگردانند.

بقا طله کوتاهی اهالی روستای "نه‌جی" نیز که از این واقعه مطلع شده اند، به روستای "دره‌وهران" رفته، پس اهالی دور روستا، متحدا ضمن محکوم کردن این اعمال جنايتکارانه دست به اعتراض میزنند. صرمانده مزدوران که با اعتراضات یکبارچه و خشمگینان اهالی این دور روستا مواجه میگردد، از ترس جان خود را تضرع و

التماس مطرح میکنند که این حرکت بدون اطلاع آنها صورت گرفته است!، فسرده مجروح توسط توده‌ها، به میریوان و پس بدلیل شدت جراحات به کرمانشاه منتقل میشود.

یک نفر از اهالی روستای "ما بوله" هنگامی که مشغول چرای احشام در جوار روستای "بلچه‌سور" بود، با مینی کسه توسط مزدوران رژیم جمهوری اسلامی کار گذاشته شده بود و بر خورده و میکند که بر اثر اشتبا ران، یک دستش قطع میشود.

همچنین روز ششم تیر ماه، پسر بچه ای اهل روستای "بته‌نه" در بخش کوماسی که مشغول چرای احشام بود، توسط مزدوران که از مسیر جاده میگذشتند، هدف تیراندازی قرار گرفت و جان خود را از دست داد.

شب بیست و سوم خرداد ماه، مزدوران مستقر در بایگاه "خاله‌دره" در مسیر رفت و آمد مردم این روستا کمین بگذا رتند. ساعت حدود هشت و نیم شب یکی از اهالی

این روستا حین بازگشت از خانه سه همسایه اش مورد شیراندازی جنايتکارانه قرار گرفته و جان خود را از دست میدهد.

همچنین روز بیست و ششم خرداد یک نفر از اهالی روستای "بلچه‌سور" هنگام کار در مزرعه توسط مزدوران به گلوله بسته شده و به شدت مجروح میگردد. شام برده پس از خون ریزی زیاد خود را به نزدیکی روستا میرساند. مردم روستا ضمن آنکه او را به بیمارستان میرسانند، علیه این عمل وحشیانه دست به اعتراض دسته جمعی میزنند.



اخبار جبهه توده‌ای

بوکان

مزدوران جنایتکار رژیم، در سرکوت توده‌های زحمتکش از هیچ گونه تلاشی فروگذار نمیکنند و بر آنند تا از هر طریق ممکن، سیاستها و اهداف ارتجاعی رژیم که در خدمت سرمایه‌داران و غارتگران است، پیش برند.

روز بیست و دوم خردادماه، یک دسته از مزدوران به روستای "شاجی کهند" هجوم می‌برند و پس از فراخواندن اهالی و جمع کردنشان در مسجد روستا، بتان میگویند که با بایستی زمینهای را که قبلاً ما دره نموده‌اند، پس بدهند، و یا آنکه با بت این زمینها اجازه بپردازند! اما اهالی که مدت‌هاست بر روی این زمین‌ها کار میکنند در مقابل این خواست ارتجاعی شدیداً بد اعتراض می‌نیزند و مزدوران را به عقب‌نشینی وامیدارند. سرکوبگران که از اجرای این نقشه خود با زیما نند، مسئله سرپا زدن تسلیم اجباری را پیش می‌کشند و بتان تکلیف می‌کنند که با بایستی به سرپا زدن به جبهه بروند و یا آنکه در روستای خود به نفخ رژیم ملحق شوند، اما اهالی زحمتکش روستا با این خواست ارتجاعی نیز وقتی شهادت و اعلام میدارند که هیچیک از این موارد را قبول نخواهند کرد. سرکوبگران رژیم جمهوری اسلامی که از پیش برد نقشه‌های خود عاجز می‌مانند و بتان می‌شوند تا با دستگیری و اعمال خشونت نسبت به اهالی به ضرب و شتم و ارباب‌آنان بپردازند، اما زانسان روستائی که در بیرون مسجد بودند، وارد مسجد شده و ضمن اعتراض و شعار دادن، مانع دستگیری افراد میشوند. مزدوران به سوی مردم شیراندازی میکنند و سعی در مرعوب ساختن اهالی دارند، آنان یک زن و چهار نیز زخمی میکنند، اما مردم روستا از پایداری نشسته و تا بیرون رانندن مزدوران متحداً به اعتراض خود ادامه میدهند.

همچنین چندی پیش روستای "شاجی - گولان" مورد هجوم و حشانه نیروهای سرکوبگر رژیم قرار می‌گیرد. سرکوبگران ضمن تیراندازی و اهاشت نسبت به اهالی، به داخل روستا میریزند و به ضرب و شتم مردم

که لهورشا و "دریورتا" دو یکبار چریکی خود، تلاش مزدوران را برای بازپس گرفتن زمین‌های مصادره‌ای عقیم می‌گذارند.

سقز

اوائل تیرماه، سرکوبگران رژیم جمهوری اسلامی با تحت فشار قرار دادن اهالی روستای "باغ جوسه‌ین" از آنسان می‌خواهند که روستا را ترک کرده و کسوج نمایند. زحمتکشان روستائی، در مقابل این خواست مقاومت کرده و دست به اعتراض می‌زنند. اما مزدوران جنایتکار با تشدید فشار و اعمال خشونت و سرکوب، مردم را وادار به کوچ اجباری میکنند. در همان حال عده‌ای از اهالی که به کوههای اطراف پناه برده‌اند، با وحشیگری هر چه‌ما می‌تواند در محله زب‌اران مزدوران واقع می‌گردند.

چندی پیش، با ردیگر بر اثر انفجار یک مین در "خورخوره" سقز که توسط مزدوران سرکوبگر کار گذاشته شده بود، توجوئی که مشغول چرای گوسفند بوده شد مجروح گردید. روز بعد این واقعه، اهالی روستا نسبت به مین گذاری مزدوران در اطراف روستا و محل رفت و آمدشان دست به اعتراض می‌زنند. مزدوران از ترس اعتراضات خشمگینانه توده‌ها، مسئولیت آنرا برعهده نمی‌گیرند.

شب هفتم تیرماه عده‌ای از مزدوران مستقر در روستای "شاجی" به روستای "آدینان" واقع در دوازده کیلومتری شهر سقز و حشانه‌پوش می‌برند و دستا با مداد، روستای فوق را گلوله باران میکنند. با روشن شدن هوا، سرکوبگران به داخل روستا ریخته و ضمن ایجاد درع و هراس اهالی روستا را در مسجد جمع کرده و از آنان می‌خواهند که با رژیم همکاری نموده و آنان را در پیشبرد سیاستهای خودیاری دهند. اما مردم این روستا نسبت به این اعمال جنایتکارانه اعتراض کرده و تن به خواست مزدوران نمیدهند. در همین رابطه یکسای از روستائیان دستگیر و به اطلاعات سپاه پاسداران منتقل میشود که پس از چند ساعت آزاد می‌گردد.

سنندج

بیست و ششم خردادماه، سرکوبگران رژیم ضمن دادن اخطار تخلیه به اهالی روستای "دهره‌گاوان" در بخش "سارال" خندج، تعدادی از اهالی را نیز دستگیر نموده و ضمن تهدید و اعمال خشونت نسبت به آنها، از مردم می‌خواهند که روستا را تخلیه و به محلی که رژیم تعیین میکند، کوچ کنند. چندی پیش نیز اهالی روستای نهره‌گه‌سوله که در نزدیکی این روستا واقع است، اجباراً کوچ داده شده‌اند. ما روستائیان "دهره‌گاوان" در مقابل این اقدام ارتجاعی مقاومت کرده و تن به خواست مزدوران نداده‌اند.

مدتی قبل زحمتکشان روستای کله‌پورشا و "واقع در بخش سارال"، در برابر تلاشهای مذبوحانه رژیم برای بازگرفتن زمین‌های که قبلاً مصادره شده بودند، مقاومت کرده و با اعتراضات جمعی، بار دیگر نقشه‌های مزدوران نقش بر آب کردند.

زحمتکشان روستای "کله‌پورشا و" محدودیکسال قبل زمین‌های اربابی امصادره کرده و بطور دسته جمعی بر روی آن کشت میکنند، بارها از جانب ارباب با بق و تحت حمایت ارگان‌های دولتی تحت فشار قرار گرفته‌اند تا این زمین‌ها را زانان پس گرفته شود. اما مقاومت و اعتراض اهالی هر بار تلاشهای مزدوران انا کام گذاشته است. این با مزدوران اندامری در ارتباط با ارباب به همین منظور تعدادی از زحمتکشان این روستا دستگیر نموده و آنان را تحت فشار و کنجه قرار داده و نسبت به آنها به اعمال شونت می‌پردازند. اهالی روستا، نسبت به این اقدام جنایتکارانه دست به اعتراض زده و به طرف پایگاه "جوسه‌ین" شارا "راه پیمائی میکنند. مزدوران ترس‌زدت یا بی اعتراضات، ناچار بشوند دستگیرشدگان را آزاد نمایند. این ترتیب با ردیگر زحمتکشان روستای



اخبار جنبش توده‌ای

بیردازند. این اندام چنایتکارانه
پوردا اعتراض اهالی واقع میشود که
مزدوران ناچار به ترک روستا میشوند.
روزپا نهم تیرماه، دسته‌ای از
مزدوران رژیم تحت نام گروه ضربت مستقر
روستا های "میره دی" و "بله جار" بطرز
حشیانه‌ای روستای "میرگه نه قشینه"
امورده هجوم قرا داده و به سرکوب اهالی
ردا ختنند که در نتیجه این عمل سبانه
و تن ارا اهالی روستا مجروح گشتند.

نقده

صبح روزی و یکم خردادماه،
مزدوران رژیم جمهوری اسلامی، کپره‌های
طراف روستای "گاشی زهره" منطقه "تهنه"
"دول کونه" را بطرز وحشیانه‌ای به
جوب و خمپاره بستند و تلفات زیادی به
نان وارد ساختند. این جاشیان بعد از
نهرمان روزبه منظور تکمیل اعمال
بنایتکارانه خود، به چادر نشینان این
منطقه حمله برده و ضمن سرکوب و اعمال
خونت نسبت به آنان، چادرهایشان را
به آتش کشیدند. فردای آنروز یعنی
کم تیرماه نیز مجدداً چادر نشینان این
منطقه مورد یورش وحشیانه قرار گرفته و
اراشی آنها نیز به آتش کشیده میشود.
چهارم تیرماه نیز عده‌ای از
اشها و پاداران بنام گروه ضربت،
امداران منطقه را مورد حملات وحشیانه
و د قرار دادند. از جمله منطقه "دول"
سی زهره" مورد هجوم مزدوران قرار
رفت و بیش از بیست چادر توسط این
سایتکاران طعمه حریق گردید. چادر-
نشان زحمتکش مستقر در کوهستان ها
اهالی روستای "کوکول"، "گاشی گورا"،
دهشت قره"، "کوخان"، "گیله"، "گاشی-
هره"، "تیوه برسی"، "شاه وکی"، "گلکه"
چند روستای دیگر بوده اند.

مهابان

طی نیمه اول تیرماه، مزدوران
رژیم مرکب از جاشها و فئودالهای مسلح
"منگور" به چادر نشینان روستاهای این
ناحیه حمله برده و با ایجاد محدودیت
به اعمال سرکوب در مورد آنان
پرداخته اند. از جمله نه نفر از چادر
نشینان روستای "دبوکور" را وادار شده
اند تا چادرها و وسایل زندگی شان را
رها کرده و به روستای خود بازگردند.
در تاریخ چهاردهم تیرماه،
مزدوران رژیم روستاهای "موسی رای کجا"
"قامیناوی"، "کوخان"، "یمونج" در بخش
منگوران را محاصره کرده و اهالی
را تهدید به کوچ اجباری میکنند.
مزدوران به مردم میگویند چنانچه
وسایل خود را خارج سازند، آنها را
همراه با خانه ها به آتش خواهند کشید.
مزدوران در دور روستای پر جمعیت سر
"یمونج" و "کوخان" از ترس اعتراضات
اهالی، جرات عملی نمودن تهدیدات
خود را نمیکشند، اما در دور روستای کوچکتر
"قامیناوی" و "موسی دای کجا" را در کمال
بیرحمی و جلوه چشم ماحیان آنها به آتش
میکشند. بعد از این عمل وحشیانه
مزدوران، اهالی روستاهای فوق الذکر به
شهر مهاجرت کرده و جلوه فرمانداری
بمعاون اعتراض تجمع میکنند.

اشنویه

عده‌ای از فئودالهای منطقه، تحت
حمایت ارگانهای دولتی به سیاست های
سرکوبگرانه خود نسبت به اهالی منطقه علی
الخصوص دهقانان همچنان ادامه میدهند.
این مزدوران در صدد آنند تا با اتکا به
ارگانهای سرکوب رژیم، اراضی دهقانان
را بهرور تصرف نمایند.

سردشت

در تاریخ یازدهم تیرماه،
سرکوبگران مستقر در پایگاه های "سیرنا و"

با چهار نفر زیر و یک توپخانه به ساز
"نه لاس" هجوم برده و با به محاصره در آوردن
آن، به غارت اموال مردم میپردازند.
اعتراضات مردم نسبت به این عمل
غارتگرانه موجب آن شده است تا سپاه
پاسداران وعده دهد و سائل غارت شده
به ماحیان آن برگردانند.

از نیمه دوم خرداد ماه، روستاهای
"پردان"، "زهره گاشی"، "تیته بسل" و
"تیته پاشین" مجدداً مورد یورش مزدوران
رژیم قرار گرفته اند. سرکوبگران
روستائیان این منطقه را به تحنیه
روستاها تهدید نموده و از آنان خواسته اند
که به جای دیگری کوچ نمایند. اما اهالی
روستاهای فوق در برابر این تهدیدات
مقاومت کرده و از کوچ اجباری خودداری
ورزیده اند.

مزدوران برای تحت فشار قرار دادن
اهالی و برای آنکه به سیاست ارتجاعی
رژیم جامعه عمل ببوشاند، چهار روز متوالی
روستای "تیته ت" را زیر آتش سلاح های
سنگین خود میگیرند که در اثر آن دو نفر
زخمی و چندین خانه مسکونی بکلی ویران
میشود و ده ها راس احشام نیز تلف
میکرد. بدنبال این عمل ارتجاعی و
سرکوبگرانه، نمایندگان از روستاهای
"تیته"، "زهره گاشی"، "پردان"، "مه رزن-
آباد"، "ششکان"، "بیتوش"، "دولکان"،
"ره جاکه"، "بیژوی"، "سینج وی"، "ره شه-
کان"، "مه رزن" و "کاگر" به عنوان
اعتراض به شهرسردشت رفته و جلوه
فرمانداری تجمع میکنند. بدنبال این
اعتراضات، فرماندار مزدور سردشت
اعلام میدارد که اهالی روستاهای فوق
میتوانند در روستای خود بمانند. اما
به روز بعد، سرکوبگران مستقر در پایگاه
"تالش" به تهدید اهالی میپردازند و به
دیگر اهالی چندین روستای فوق به
فرمانداری سردشت مراجعه و اعتراض
نموده اند.

بانه

بدنبال تهدیدات مکرر اهالی
روستای "بناری سورکیو" بانه به کوچ
اجباری، فرماندار مزدور شهر بانه به
روستاهای این بخش رفته و اعلام نموده
است که روستائیان بایستی روستاها

بیجار

در ادامه گسترش سربازگیری اجباری
چندی پیش امواج این سیاست داغشای
تربیت معلم بیجار را نیز دربرگرفت. در
همین رابطه مزدوران فرمی را در اختیار
دانشجویان قرار داده و آنان را خواستند
تا برای رفتن به جبهه ها ثبت نام کرده و
آنها دگی خود را اعلام دارند، اما این
عمل ارتجاعی مزدوران مورد اعتراض
دانشجویان قرار گرفت. آنان در مقابل
این سیاست مقاومت کرده و اعلام داشتند
که حاضر به رفتن به جبهه های جنگ
ارتجاعی نمیباشند، مدیر این موسسه،
برای خوش خدمتی هرچه بیشتر و برای
فریب دانشجویان، آنان را جمع کرده و
ضمن ایراد سخن رانی در مورد "خدمت به
اسلام" و غیره مجدداً آنان را خواست تا در
جبهه های جنگ شرکت جویند، اما سخنان
این مهره رژیم، نه تنها نتوانست
دانشجویان را به رفتن به جبهه ترغیب
کند، بلکه بیش از پیش اعتراضات خشم -
گینا نه آنان را برانگیخت و مزدوران را
وادار به عقب نشینی نمود بطوریکه آنان
ناچاراً از طرح ارتجاعی خود دست بر-
میدارند.

مریوان

کارگران شهرداری مریوان هر
ساله بخشی از حقوقشان را بصورت عیدی
دریافت میکردند، اما امسال دانسته
ورشکستگی مالی رژیم بدان حد بود که
شهرداری مریوان از پرداخت این مبلغ
ناچیز نیز ناتوان ماند! نزدیک به صد
نفر از کارگران شهرداری روزهای سیست
و چهارم و پنجم و پنجم خرداد ماه بطور
دسته جمعی دست به اعتراض زدند و
خواهان این مبلغ عقب افتاده و تلافی
که هر سال دریافت میکردند شدند. اما
شهردار مردود مریوان آنان را جمع کرده
و در کمال پررویی با آنان چنین گفت:
"اگر حاضر هستید به نفع رژیم اسلحه بر
دارید، ما هم خوابا رووسا تل دیگر که
احتیاج دارید به شما میدهم". اسباب
کارگران زحمتکش شهرداری، ضمن اعتراض

بانه

روز هشتم تیر ماه، بار دیگر شهر
بانه مورد حمله هوایی جنگنده بمب افکن-
های عراقی قرار گرفت! و محله های
مالح آباد، شرکت نفت، کوخ شیخ الاسلام
بمباران گردید. در اثر این بمباران ها
خسارات مالی فراوانی به اهالی وارد
آمده و یک نفر اهل کوخ شیخ الاسلام جان
خود را از دست داد.

چند خبر از شهرهای کردستان

مهاباد

نیروهای سرکوبگر رژیم، در ادامه
سیاست ارتجاعی سربازگیری اجباری،
نیمه دوم خرداد ماه طی یک یورش وحشیانه،
در کوچه ها و خیابانهای شهر مهاباد، دست
به سربازگیری زده و تعدادی از جوانان
را دستگیر میکنند. هنگامیکه مزدوران
تصمیم میگیرند جوانان دستگیر شده را به
جبهه ها اعزام دارند، خشم و کینه توده ها
متنفر از رژیم و از سیاستهای ارتجاعی
او آشکار میشود. ابتدا، مادر یکی از
افراد دستگیر شده، علیه سربازگیری
اجباری اعتراض کرده و آغازه شعار دادن
میکند، بدنبال آن، بسیاری دیگر از
مردم با او همدا شده و سپس متحداً به سوی
مزدوران حمله میبرند. گشتی های
رژیم خود را به محل میرسانند و با اعمال
خشونت و وحشیگری، مردم را پراکنده
میدارند.

خبر دیگری حاکی از آن است که
یک کارگر کوره پزخانه که سه سال قبل
دستگیر و زندانیهای رژیم زیر شکنجه
بود، اخیراً اعدام شده است. مزدوران
رژیم به خانواده و بستگان این کارگر
اطلاع داده بودند و او آزاد میگشت،
وقتی که پدر این زندانی به زندان
مراجعه میکند، خبر اعدام او را می شنود.

☆ اخبار جنبش توده ای

را ترک کرده و در محلی که رژیم تعیین
کرده است سکونت نمایند. سرکوبگران
رژیم و از جمله گروه های ضربت به اشکال
گوناگون مردم را تهدید کرده و اعلام
داشته اند که اگر کوچک نکنند، سایستی از
هر خانواده یک نفر مسلح شده و مانع رفت
و آمد پیشمرگان گردند.

چند خبر از:

جنگ ارتجاعی ایران و عراق

سردشت

در ادامه جنگ ارتجاعی ایران و
عراق، بیستم خرداد ماه، شهر سردشت
زیر آتش توپخانه نیروهای عراقی قرار
گرفت، بر اثر این توپباران ها، چهار
نفر از اهالی بی دفاع جان خود را از دست
داده و دو نفر دیگر مجروح شدند.
روز هفدهم خرداد ماه نیز روستای
"پیگان سفلی" در منطقه سردشت مورد
حمله آتش توپخانه نیروهای عراقی
قرار گرفت و خسارات زیادی به اهالی
این روستا وارد گردید.
روستای "گونه مشک" نیز روز بیست
ونهم خرداد ماه، مورد حمله توپخانه عراق
واقع گردید، که در نتیجه آن دوزن جان
خود را از دست دادند.

همچنین، شهرک ربط و روستای
"تینوه" از توابع سردشت، مورد حمله
هواپیماهای بمب افکن عراقی قرار
گرفته است. بر اثر بمباران ها، آغازه
خسارات مالی وارد شده، یک نفر از اهالی
روستای "تینوه" جان خود را از دست داده
و حدود پانزده نفر دیگر نیز زخمی میشوند.

☆ اخبار جنبشی توده‌ای

این یاه‌های شهردار، مصرا نه درخواست
بودمنی برپروخت حقوق ولباس‌پا
خاری کردند.

شب‌بست وهشم خردادماه، نیروهای
اش وپاسداروابسته به ستادعملیاتسی
ریوان، باهم درگیرمیشوندویک جاش
هل روستای "به‌لو" به‌هلاکت میرسد. به
سال این درگیری، کلیه‌جاش‌ها توسط
باه پاسداران خلق صلاح میشوند. صبح
وزبع، سادخال چند تن از مقامات
کومتی قضیه ظاهرافیمله میاید.

شب‌سی ویکم خردادماه نیز یک
رگیری نسبتا طولانی بین واحدهائی از
نیروهای رژیم بوجودمی آید. چندواحد
زمردوران رژیم که برای کمین گذاری
بجتمشمرگان انقلابی که در منطقه حضور
استند، روانه اطراف شهر شده بودند.
اعت حدودیازده شب دورواحدازایین
نیروها، در محله جنگلبانی شهرمریوان با
مروبرومیشوندوبه مدت حدود ۲۰ دقیقه
کدیگرا زیر آتش میگیرند. در جریان
بین درگیری، دست‌کم هفت پاسدار کشته
زخمی شده‌اند.

خبردیگری از ناحیه مریوان حاکی
ز آنست که اخیرا افراد واحدی موسوم به
زبالله را خلق صلاح کرده‌اند. ایین
احد سی و پنج نفره، متشکل از افرادی
وده‌است که خود را به رژیم تسلیم
رده‌اند و رژیم نیز آنان را مسلح کرده
اعلیه پیشمرگان به‌جنگند. گفته میشود
این افراد بدلیل مشکوک بودن وعدم
عتماد خلق سلاح گشته‌اند.

سفر

مردوران رژیم جمهوری اسلامی که
را وائل بهارامال در تدارک بوده‌اند
ابا تعطیل مدارس، معلمین ودانش
موزان را روانه جبهه‌های جنگ ارتجاعی
مایند، اخیرا و پس از تعطیلی مدارس،
معلمین را جهت اعزام به جبهه‌ها تحت

فشارهای بیشتری قرار داده‌اند. اما
فرهنگیان شهرسفر نسبت به این سیاست
ارتجاعی رژیم دست به اعتراضات
گسترده‌ای زده و از رفتن به جبهه‌ها
خودداری کرده‌اند. امواج اعتراضات
معلمین آنقدر بالا میگیرد که مزدوران
وادار به عقب‌نشینی شده و اعلام میدارند
که رفتن معلمین به جبهه‌ها اختیاری
است!

در تاریخ نهم تیرماه، مزدوران
سرکوبگر شهرپا نی به همراه ما مورین
شهرداری بساط دستفروشان و دکه داران
سقزا در میدان یا دیودویل بزرگ سقز
مورد یورش وحشیانه خود قرار داده و ضمن
غارت و چپاول دارائی ناچیز این قشر
از حمتکشان، دکه‌های آنان را تخریب
میکنند. در اعتراضات پراکنده‌ای که
با این مناسبت انجام میشود و نفر دستگیر
میشوند، که در ادامه اعتراضات، آزاد
میگردند.

جوانرود

اخیرا اهالی منطقه جوان رود نیز
جهت سربازگیری اجباری، وسیعاً تحت
فشار قرار گرفته‌اند. مزدوران رژیم در
این منطقه همه تلاشهای خود را بکار
بسته‌اند تا بتوانند دانش آموزان و دیگر
جوانان منطقه را روانه سربازی نمایند.
در همین رابطه روزبست ویکم خردادماه،
دانش آموزان جوان رود، ضمن دادن شعار
بطور دسته جمعی در خیابانهای این شهر
راهپیمائی میکنند و سر علیه اعمال
فشار و اعزام به جبهه‌های جنگ ارتجاعی

دست به اعتراض می زنند. تظاهرات
دانش آموزان، با شرکت فعال وهمنستگی
توده‌ها، عمق بیشتری می یابد. گسترش
دامنه این تظاهرات اعتراض آمیز، و
بویژه اتحاد و یکپارچگی اهالی، رژیم
را دچار ترس و وحشت میکند. مزدوران
سرکوبگر، برای متفرق کردن تظاهرات
کنندگان به صفوف آنان حمله ور شده و با
آنان درگیر میشوند. اما مقاومت توده‌ها
و مقابله انقلابی آنان، سرکوبگران را
به عقب‌نشینی وامیدارد.

توجه سیاستهای عماشات طلبانه! یاه

دمکراسی ودعوت به اجرای آن باسخ
مثبت میدهند.

چنین است نگرش راه‌کارگر نسبت
به حزب دمکرات ومقوله دمکراسی. راه -
کارگر شوم پراکنی میکند که گویا ایین
حزب دمکرات است که بدلیل اعتقاد، نقش
و عملکردش در کردستان سبب شده که
کمونیستها در آنجا حضور داشته و دارای
آزادی تبلیغ و فعالیت باشند. استدلال
راه‌کارگر در دست‌شیه به استدلال حزب
توده پس از قیام بهمن ماه میماند که
مطرح میکرد آزادیهای موجود در جامعه از
اعتقاد رهبران اسلام انقلابی به
دمکراسی وآزادی سرچشمه میگیرد. حزب
توده در آزمان منشأ آزادیهای بدست
آمده، یعنی مبارزات توده‌ها را محسوس
میکرد تا حکومت اسلامی را بجای آن
بنشاند و حال راه‌کارگر هم مبارزات
توده‌ها و نیروهای سیاسی را برای عیان
دمکراسی وآزادی محسوس کند تا حزب
دمکرات را در جای آن بنشاند.

اما این اشتباه خواهد بود اگر
تصور شود که دفاع راه‌کارگر از بورژوازی
ودمکراسی بورژوائی فقط مربوط به
کردستان است. دفاع راه‌کارگر از
بورژوازی ودمکراسی بورژوائی خط
مشی عمومی راه‌کارگراست. راه‌کارگر
خود در نوزدهمین شماره نشریه‌اش نوشت
که "ارتجاع فوق تصور رژیم خمینی،
لیبرالسم بورژوازی متوسط و کوچک
را بر مراتب نسبت به دوره شاه تفویض
کرده و آنان را به دفاع اردمکراسی
بورژوائی سوق داده است".

بله، به همین اساس است که
راه‌کارگر توده‌ها را قرا میخواند که به
دمکراسی بورژوائی ایمان بیاورند،
برتجارب خود خط بطلان بکشند، و همه
هم برای سرکردن حفره هولناک وراثت
فقیه با قدرت همه جاش و جمعی بورژوازی
که اکنون دمکرات وآزادی خواه گشته
است، در جبهه متحد باطلخ کارگری راه -
کارگر مجتمع شوند. این است پیام راه
کارگر به توده‌ها و این است نمونه‌ای
درخشان از نقش و عملکرد یک نیروی
فرمبستی در تحولات اجتماعی

فرار از جبهه ها و پادگان ها

بین فرارها که در برگیرنده سربازان شمولینی که به تازگی دستگیر شده تا جبهه ها اعزام گردند، میشود، همچنین یکن میسازد که جوانان هیچ انگیزه ای ندارند در جبهه ها و ادامه جنگ بپوشان قی نامند است و هیچگونه چشم انداز یکن و یا امیدبخشی را در آن نمی بینند. یکی ارتجاعی، بی آئینده، و در خدمت رمایه داران و غارتگران، راهی جز فرار ایشان سائی نمیکند از آنان ختسی ارشدن در کوهها و بیابانها، سرگردانی به خطرات احتمالی ناشی از ترک جبهه

بجان میخورند، اما دیگر حاضرین در جنگ نیستند، در این میان آنچه که در رتوجه و تعمق است، حمایت فعال ده ها از این فراریان است، توده ها، تنها خود، آنان را تشویق به فرار میکنند، بلکه به فراریان پناه داده و نالنه بآنان یاری میرسانند، اگر یم بازور و سر نیزه، جوانان را برای یازای جباری دستگیر و آتش پادگانها تبیه ها میکند، اما از سوی دیگر، دسته ست از این جوانان، جبهه ها و پادگان ها ترک کرده و فرار میکنند. خسرهای یتهای که در زیر نقل میشود گویای این قنیت میباشد.

بدشال آمده باش به نیروهای یم در منطقه ارومیه، برای اعزام به جه های جنگ ارتجاعی، بسیاری از بازان این منطقه و از جمله منطقه حاس شیران در شمال کردستان، بطور ته جمعی دست به فرار میزنند. بیش مدوینجا و فرار از این سربازان موفق خوند از مرز ترکیه گذشته و از دولت کبه تقاضای پناهنده گی نمایند، بسیار گراز آنان در کوه ها و بیابانها گامهای زراف آوار و یا مخفی شده اند.

در همین رابطه فشار و نیروهای کوبگر بر مردم منطقه و بویژه سربز نواده های سربازان فراری تشدید فته و رژیم میکوشد تا با ایجاد رعب خشت از فرار سربازان جلوگیری

نماید. اما همگاری توده ها با سربازان و تشویق آنان به فرار از پادگانها در ابتدا دوسمی جریان دارد و اعلام آماده باش نیروهای سرکوب رژیم در منطقه، تاثیری بر فرارهای ادا مدار نداشته است.

در اوائل تیرماه، یک سرباز از پادگان ارومیه فرار کرده و خود را به پیشمرگان خلق کردستان رسانده است.

که قبلا در هجوم های وحشیانه مزدوران دستگیر و به زور به پادگان های رژیم روانه گشته بودند، موفق به فرار شدند. چهار نفر از جوانان از پادگان "هواره" خور" و تعداد بیشتری از پادگان "نه نور" توانستند فرار کنند.

روز هجدهم تیرماه، یک سرباز جمعی تب ۲ لشکر ۷۷ با تفاق یک نفر دیگر فرار کرده و در جنوب کردستان به پیشمرگان پیوسته اند. فرد دیگری در بوکان همراه سلاح خود صفوف دشمن را ترک کرده و به پیشمرگان پیوسته است. در تاریخ ۱۷ تیرماه نیز در شمال کردستان، دوتن دیگر به همین طریق خود

سربازان و پرسنل انقلابی ارتشی!

جنگ دولتهای ایران و عراق جنگی است ارتجاعی، در خدمت سرمایه داران و دولتهای امپریالیست، این جنگ صدها هزار تن از توده های مردم ایران و عراق را به خاک و خون کشیده است و هزاران خانواده را ادا غدار نموده است.

علیه جنگ قیام کنید!

از فرامین فرماندهان مزدور ارتش و سپاه سرباز زنی و تفتنگ های خود را به سوی رژیم جمهوری اسلامی برگردانید.

مرگ بر جنگ ارتجاعی = مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی.

را به پیشمرگان تسلیم کرده اند. یکم تیرماه، فردی اهل "میرثاوا" سردشت، از پادگان مزدوران فرار کرده و به پیشمرگان می پیوندد، دوتن دیگر نیز با سلاح های خود صفوف دشمن را ترک کرده و به پیشمرگان انقلابی پیوسته اند. در تاریخ ششم تیرماه نیز فرد دیگری اهل روستای "ماشه زن" از پادگان رژیم فرار کرده و به صفوف پیشمرگان ملحق میشود.

سرباز دیگری از پادگان "سیس پهر"

در صفحه ۲۶

همچنین در تاریخ بیست و چهارم خردادماه، یک سرباز از گردان ولی الله پیرانشهر و یک درجه دار ارتش از لشکر ۸۱ رزمی کرمانشاه، فرار میکنند. چهارتن از شمولینی که در جریان پی کردهای مزدوران در شهر سقز برای اعزام به سربازی اجباری دستگیر و در زندان ژاندارمری زندانی بودند، طی یک نقشه مشترک موفق شدند با شکستن دره و پنجره زندان فرار کنند. همچنین دریا نه تعدادی از سربازان

نکته به

جم و یکبارچه از طرفی توده ها وضعف می جنبش جستجو نمود. خلق زحمتکش طی چند سال مبارزه بی وقفه، بسا ل روحیه اعتراضی و پتانسیل بدلای رزائی، در حالیکه حکومت سرکسوب میان و ترور و وحشتان جمهوری اسلامی رانسته است کمترین خللی در اراده م استوارش در مبارزه علیه رژیم با دنیاید، اما بدلیل عدم رهبری یک یان پرولتری که مبارزات آنان را در ستای منافع کارگران و زحمتکشان سرایران سازماندهی نموده و

زحمتکشان را در ارگانهای انقلابی توده ای متشکل ساخته و از هر زرفتن انرژی و پتانسیل مبارزاتی آنان جلوگیری بعمل آورد، نتوانسته اند مبارزه ای همه جانبه و منسجم و سازمان یافته در برابر سیاستهای ارتجاعی رژیم به پیش برند. سیاست سیج جنگی رژیم نیز علی رغم اعتراضات گسترده توده ای، بدلیل پراکندگی و خود بخودی بودن این اعتراضات، با اتکاء به اعراب و زور سرنیزه، بطور نسبی به پیش برده شد. سیاست های ارتجاعی دیگر رژیم از قبیل تسلیح اجباری، کوچ اجباری و سرکوب و حشانه نیز با اعتراضات رو ز مراه و مستمر زحمتکشان گرد موا جه گردید. هرچند این مبارزات نیز، خصلت خود بخود و غیر منسجم خود را حفظ کرده بود، اما در بسیاری از زمینه ها مزدوران رژیم را

از اجرای سیاستهای ارتجاعی، سپری اسلامی بازداشت. لیکن اعتراضات توده ای در سه ماه گذشته نسبت به گذشته از خرسال ۶۴ از کیفیت با شن سیاسی برخورد و بود و حرکات متغیر استوار است. یکبارچه و همزمان چند روشنا گسترش پیوست، البته زمینه ارتقاء مبارزات توده ها به اشکالی عالی تر همواره فراهم است. منتهی خود بخودی بودن این مبارزات و عدم شکل توده ها خود را ملی موثر در اشکال مبارزاتی است. هرچند که علی رغم نوسان در اشکال مبارزاتی زحمتکشان خلق کرد، تا کنون هیچگونه تردید و تزلزلی در اعتقادشان، در امر ضرورت مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی بوجود نیامده است.

فرار از جبهه ها و پادگان ها

اگر دود و به پیشمرگان پیوسته است، تاریخ ۱۳ تیرماه فرد دیگری با یک به اسلحه و مهمات از پایگاه دشمن ر کرده و به پیشمرگان در منطقه دالاهو پیوندند. فرارهای ادا شده در سربازان از جبهه ها و مراکز نظامی رژیم به میزان ادی بی اعتقادی آنان رابه جنگ ان میدهد، جنگی که باین خاطر ادا شده یا بدنا معلوم شود توده ها توسط کدام ته از سرمایه داران استثمار و غارت شد و در انقیاد کدام دولت بورژوازی ر گیرند. جنگی که جز فقر، گران، نارو آوارگی برای آنان شمردیگری اشته و نخواهد داشت.

سربازان باید بدانند که دولت های بورژوازی دنبال منافع غارتگران خود هستند، آنان متحدان تمام ماعی خود را علیه انقلاب توده ها، علیه کارگران و زحمتکشان بکار خواهند برد. لذا باید به این ضرورت عینی و تاریخی، یعنی تدارک جنگی انقلابی بی ببرند، باید از فرماندهان سرباز زده و تفنگ های خود را به سوی رژیم جمهوری اسلامی نشانده روند. فقط با تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگی انقلابی، جنگ علیه رژیم جمهوری اسلامی و سرنگونی انقلابی آن، مما شیب بی شمار موجود باین یافته و ملحق می دمکراتیک برقرار خواهد گردید.

بیوزش و تصحیح :

در ریگای کمال شماره ۴۲ زیر نویس صفحه ۲۴ را شداست. صفحه ۲ ستون ۱، سه سطر به آخر، بجای فرماندهان، فرماندهی صفحه ۷ ستون ۲، ۱۱ سطر به آخر، بجای "چهار چوب قاسل قبولی"، "چهار چوب قبولی" صفحه ۸ ستون ۳، سطر ۲۲، بجای طرح ۲۶ ماده ای، بر نامه ۲۵ ماده ای صفحه ۱۱ ستون ۳، سطر ۱ و ۲ بجای پس از کمی آرایش، پس از کمی آرایش صفحه آخر ستون ۱، چهار سطر به آخر، بجای غلطان یا نروکش، غلطان یا خروش تایپ شده است، که بدین وسیله تصحیح میگردد.



نشریه



ارگان

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

را بخوانید

[illegible]

نیکاراگوئه

دوازدهمین روزگداشت هفتمین

بیست و هشتم تیرماه، برابر با نوزدهم ژوئیه، مصادف است با هفتمین سالگرد انقلاب دمکراتیک کارگزاران و رحمتکشان نیکا راگونه به رهبری جبهه انقلابی ساندنیست ها، کارگزاران و رحمتکشان نیکا راگونه، به رهبری ایسن جبهه که اکثر نیروهای آن را انقلابیون کمونیست تشکیل میدهد، طی یک مسارزه مسلحانه دراز مدت حکومت بورژواشی وابسته به امپریالیزم سازماندهی و سرنگونی ساختند و با درهم شکستن ارگانهای بوروکراتیک - نظامی، تبلیغ عمومی، نواده ها را به اجراء آورده و ارتش خلق را ایجاد نمودند و حکومت شوراها و اعمال

فیروہای انقلابی

براین اساس است که ما ضمن محکوم نمودن قاطعانه هرگونه مداخله در امور داخلی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و یاهر سازمان انقلابی دیگری، به هر طریق و از جانب هر نیرویی که باشد،

منظور تحقیق در مورد انفجار میهن در نزدیک روستای گا پیلون قید شده بود. ترجمه فارسی قسمتی از این نامه چنین است "پس از تحقیق با احترام آنها را وانه سازمان کردیم ، از اینکه شما را صورت رسمی مطلع ساختیم پوزش می نسیم ، چنانچه احتیاج به تحقیق مجدد بود شما را مطلع میکنیم ، از این نظر خواهش ما اینست که از ما دلخوردنوبد ، بپراکه ما قصدمان حراست جان رفقا و مرزمان است و شما از دید مسئولیت حفظ منطقه این مسئله را برداشت کنید."

ما طی یک سری گفتگو با یکی از مسئولین اتحادیه میهنی بر سر مسائل پیش آمده و اساسا سیاست اتحادیه میهنی قبال کمیته کردستان سازمان چریکها^۱ ، اثنای خلق ایران ، رفتار پیشمرگان و خبی مسئولین اتحادیه میهنی را با پیشمرگان سازمان در طول بازداشت که میتوانست بدون اطلاع دفتر سیاسی حادیه میهنی صورت گیرد - از قبیل حال تهدید و تحمیل انواع فشارهای می و روحی برای کسب اطلاعات از اشل درونی تشکیلات و گنجگا و بیهای کوک در مورد اخلی سازمان را متباین چنین مناسباتی دانسته و ضمن اعتراض گونه اعمال را شدیداً محکوم نمودیم . اها را بیان چنین شیوه ها و سیاست ها که تحت هیچگونه بهانه ای توجیه گر نیست شدیم . ما همچنین ضمن پیا ری بر مواضع اصولی خود برخورد های سی را حق خود و اتحادیه میهنی و کلیه وهای سیاسی دانستیم .

نماینده اتحادیه میهنی نیز ضمن "ارتبی اطلاعی" از چنین برخوردها



خلق کرد پیروز است

جدول يك ماهه
عملیات پیشرگان
خلق کرد

رژیم ضدانقلابی جمهوری اسلامی را بدو به قدرت خریدن خود، هر آنچه را که در توان داشت به خدمت گرفت تا عزم پیروان این خلق رزمندگان را درهم بشکند. شکنجه و اعدام های دسته جمعی، بمباران شهرها و روستاها، کج و دادرسی اجباری و به آتش کشیدن روستاها و غارت دسترنج توده های زحمتکش، تملیج اجباری و خلاصه تمامی این شیوه های سرکوب و تهدیدات گوناگون، کار ساز نگردید. گسترش دامنه جنگ ارتجاعی ایران و عراق به کردستان و گشودن جبهه های جدید جنگ در این منطقه، از جمله تلاشهای مذبحخانه رژیم برای به شکست کشاندن جنبش انقلابی خلق کرد بود. رژیم، با ایجاد شبکه های پائیکاه های در سرنا سرگردستان، کنترل بیشتر بر

گذرگاه های استراتژیکی، تملیج روستا های مرزی، محاصره و سرکوب نیروهای انقلابی را در برنامۀ خود داشت. و هرگاه که پیروزیهای بدست آورد در برپا و کرنای تبلیغاتی خود میدواند و ازنا بودی سازمانهای مبارز و نیروهای پیشمرگ سخن راند، اما پاسخ به ادعاهای کاذب رژیم را، فرزندان دلاور خلق کرد، در میدان های نبرد و با بهلاکت رساندن مزدوران، انهدام تاسیسات و پائیکاه ها و کنترل شهرها و جاده ها داده اند. نگاهی به جدول عملیاتی این ماه، گسترش دامنه تعرضات، قابلیت رزمی و اتخاذ تاکتیک های جدید از سوی نیروهای پیشمرگ، و تضعیف و ناتوانی بیسش از پیش نیروهای سرکوبگر رژیم را بخوبی عیان میسازد. بحران عمیق اقتصادی سیاسی و تضادهای درونی رژیم که حتی در درون ارگانهای سرکوب نیز بازتاب داشته است، از سویی و گسترش دامنه مبارزات توده های و تملیفات پیشمرگان دلاور خلق کرد از سوی دیگر، رژیم و شکست جمهوری اسلامی را در مقابلۀ با جنبش انقلابی خلق کرد نشان توان ساخته است. نیروهای درون جنبش انقلابی خلق

کرد، میبایستی با درک موقعیت حماسی و خطیر کنونی و با در نظر گرفتن منافعی جنبش، هرگونه زمینه امکان بروز درگیریهای مسلحانه درونی را از میان برداشته و با تمرکز قوا، استفاده از نقطه ضعف رژیم، با ضربات پی در پی پیگیر نیمه جان رژیم را آماج حملات انقلابی خود قرار دهند. و عرصه را بر مزدوران سرکوبگر تنگ تر نمایند. خلق سلاح سیزده پایگاه رژیم در کمتر از یک ماه، نمودار قدرت روز افزون و پتانسیل تعرض جنبش انقلابی و پیشمرگان دلیر خلق کرد و در عین حال مبین زنبونی نیروهای سرکوب رژیم است. بدون شک اتخاذ تاکتیک های مناسب و برنامه ریزی های دقیق، اتکاء بر نیروی لایزال توده ها و توجه به منافع آنان، شکست های با زهم بیشتری را بر نیروهای رژیم در کردستان تحمیل خواهد کرد.



غانیم بدست آمده

۲۲۶	جنگ افزار انفرادی
۵۱	انواع نارنجک
۸	بی سیم
۱۳۹۷۳۰	انواع فشنگ
۲۴۵	خشاب
۲۳	جنگ افزار سنگین و نیمه سنگین
۲۹۸	گلوله اسلحه سنگین و نیمه سنگین
۱۰	پیوستن فریب خوردگان

تلفات دشمن

۵۹۷	کشته و زخمی
۷۴	اسرای دشمن
۴۸	خودروی منهدم یا معادله شده
۴	سلاحهای منهدم شده
۶	مهمات منهدم شده

جدول يك ماهه
عملیات پیشرگان
خلق کرد

۲۷ خرداد تا ۲۷ تیر

عملیات پیشرگه

۱۳	کمین و کنترل جاده
۷	مین گذاری
۲۳	مقابله در مقابل یورش رژیم
۶	حمله به مراکز رژیم در شهرها
۱۳	خلق سلاح پائیکاه
۳	مصادره و انهدام تاسیسات
۱۶	حمله به پائیکاه ها
۸۱	جمع

۴۰	بندای پیشمرگه
—	احالی سید دفاع

آمار این جدول عمدتاً از اخبار رادیوهای حزب دمکرات و کومه له سرگرفته شده است.

سهرکه و توبی بروننه وهی شورشیگرانه ی گه لی کورد

برخی ملاحظات

توجیه سیاستهای مماشات طلبانه!
یا، "پاسخ به نامه ها"

موضعگیریهای بنفایت اپورتونیستی راهکارگربربرامون مقوله دمکراسی بد چنان سطحی نزول کرده که سروصدای برخی از پیروانش را هم درآورد است. همین علت راهکارگر در نشریه اش در قالب بخشی بنام پاسخ به نامه ها، تلاش میکند تا به توجیه پیروان مسئله دارش بپردازد. از جمله راهکارگر نماز ۲۵، در بخش پاسخ به نامه ها خواسته است سیاست عافیت جویانه و مماشات طلبانه اش نسبت به نقض دمکراسی از سوی حزب دمکرات را کمی راست و ریس کند و به سوالها و اعتراضاتی که درباره یسین مواضع راهکارگر بعمل آمده است، پاسخی توجیه گرانه بدهد. اما اگر بخوانیم موردی از کارکرد "عذر بدتر از گناه" را بچونیم، همین پاسخ راهکارگر نسبت به عافیت جوشی اش در برخورد به حزب دمکرات و مقوله دمکراسی است.

راهکارگر در پاسخ به سوالها مینویسد: "از نظر ما حزب دمکرات حزبی است که خملت ملی داشته و اشتلاف طبقات ولایه های مختلف خلق کردا عماد بورژوازی خرد بورژوازی و زحمتکش را در خود

رادیو

صدای فدائی

موج کوتاه ردیف ۷۵ متر

ساعات ۸/۵ بعد از ظهر

۶ صبح و ۱۲/۵ روز بعد

گرامی باد خاطره شهدای ۸ تیر

رفیق کبیر حمید اشرف

ورفتا:

یوسف قانع خشک بیجاری * طاهره خرم
غلامرضا لایق مهربانی * عسکر حسین ابرده
رضا یثربی * محمد مهدی فوقانی
فاطمه حسینی * غلامعلی خراط پور
محمد حسین حقنواز * علی اکبر وزیری

اخباری از جنبش توده ای

در صفحه ۱۷

گرامی باد خاطره ۲۳ تیر

چهلمین سالروز اعتصاب
شکوه مند و قهرمانانه کارگران
نفت جنوب، که طی آن ۴۷ نفر
شهید و ۳۷۳ تن از کارگران
رخمی شدند.

خلق گرو پیروز است
جدول يك ماهه
عليات پيغمبران
خلق گرو

در صفحه ۲۹

فرار از جبهه ها و پادگان ها

به موازات تشدید شار بر توده ها و بویژه لاق مارز کرد، جهت ملج و سربازگیری جباری، همچنین در پی عزام دسته جوانان محبه های جنگ ارتجاعی ایران و عراق، فرار ربازان از جبهه ها، دگان ها و مراکز نظامی بیم نیز ایجاد وسیع تری نمود گرفته است. این اراهای مکرر و ادامه رازیک سو حاکمی از آن است که رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی، توانایی پیش برد کار مل سیاستی سرکوبگرانه و فریب آمیز خود را نداشته و تحت عناوینی که تاکنون به بیج نیرو و پرکردن جبهه ها از جوانان می برداخته، دیگر قادر به استفاده از آن روش ها برای ادامه این روند نیست و در واقع چنین شیوه هایی دیگر چندان شمری برای رژیم ندارد